

## ■ کشاورزی در برنامه اول؛ مروری بر عملکرد

کار: گروه تحقیق  
مسؤل گروه: دکتر محمدقلی موسی نژاد

### مقدمه:

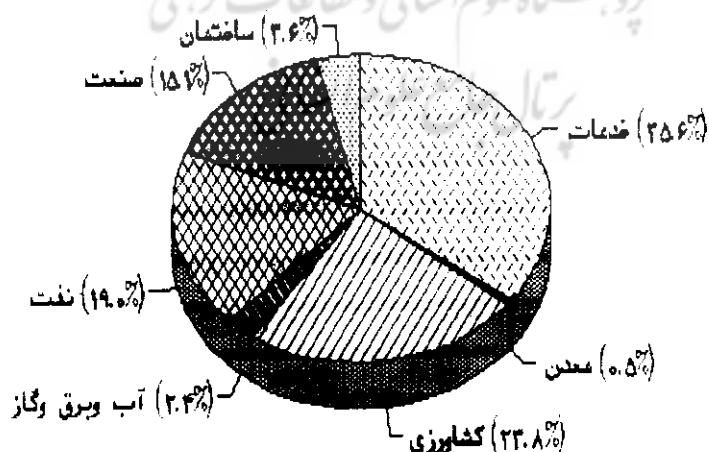
مربوط به کشاورزی است. لازم به یادآوری است که در سال مزبور برنامه پنجساله سهم ۲۱/۳ درصد در تولید ناخالص داخلی را برای بخش کشاورزی در نظر گرفته بود ولی بخش کشاورزی ۲/۵ درصد بیش از مقدار برنامه در تولید ناخالص داخلی سهم داشته است. در این سال بعضی از بخشهای دیگر اقتصادی عملکردی بمراتب کمتر از برنامه داشتند (نمودار شماره ۲). از سوی دیگر، برنامه نرخ رشد ۵ درصد را برای سه سال اول این بخش پیشبینی کرده بود در صورتی که عملکرد بخش کشاورزی رشد ۵/۶ درصد را نشان می‌دهد. رشد ارزش افزوده در سه سال اول برنامه در نمودار شماره (۳) نشان داده شده است.

در هر کشور بخش کشاورزی نقشی عمده در توسعه اقتصادی - رفاهی دارد. در کشور ما این نقش از جهات مختلف کاملاً مشخص است. خودکفایی بیش از ۸۰ درصد در محصولات اساسی مانند گندم، برنج، جو، سهم ۲۳/۸ درصد در تولید ناخالص داخلی، تامین اشتغال برای ۲۸ درصد از شاغلین کشور و دربرداشتن بیش از ۴۰ درصد از صادرات غیرنفتی می‌تواند گواه اهمیت این بخش باشد. برای مقایسه این بخش با سایر بخشها سهم ارزش افزوده هریک از بخشهای اقتصادی کشور در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است که در سال ۱۳۷۰ بعد از خدمات، بیشترین سهم

کشت درفعالیت‌های تولیدی سالانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. حدود ۵۸ درصد از آب قابل استحصال عملاً در بخش کشاورزی به کار گرفته می‌شود و راندمان آبیاری کم است و حدود ۳۲ درصد تخمین زده می‌شود. نیروی انسانی بخش کشاورزی ازجمله دیگر عوامل مهم تولید است که در وضعیت فعلی از کارایی مطلوب برخوردار نیست اما پتانسیل ارتقای کیفیت را دارد. بالاخره، سرمایه‌گذاری در این بخش مزیت نسبی ثمردهی<sup>۱</sup> را نسبت به سایر بخشها دارد ولی فقط ۸ درصد سهم سرمایه‌گذاری کل به این بخش اختصاص یافته است. از بحث بالا چنین نتیجه می‌گیریم که

موفقیت یاد شده به علت به فعل درآوردن قسمتی از پتانسیلهای موجود دربخش کشاورزی است. به عبارت دیگر، باوجود این پتانسیلها می‌توان گفت که این بخش هنوز وظیفه اصلی خود را برای تأمین نیازهای داخلی بخوبی انجام نداده است. عرضه تولیدات داخلی تقریباً در تمام محصولات کشاورزی کفاف تقاضا را نمی‌کند و هر سال بناچار باید میلیونها دلار ارز بابت واردات از کشور خارج شود. طبق آمارهای موجود، درصد چشمگیری از منابع کشور خارج از فرایند تولید و دست نخورده باقی می‌ماند یا هرز می‌رود. به عنوان مثال، تنها ۲۵ درصد از زمینهای قابل

نمودار شماره ۱: سهم ارزش افزوده بخشها در سال ۱۳۷۰



۱- ICOR بخش کشاورزی حدود ۲ می‌باشد؛ در صورتی که ICOR بقیه بخشها بیشتر است.

برای تامین اهداف توسعه منابع آب و افزایش راندمان آن است. اگر به منبع آب به طور سیستماتیک نگاه کنیم، خصوصیات را می‌توانیم برای آن برشمریم؛ از جمله این که احیاشونده است؛ توزیع زمانی و مکانی متفاوت دارد؛ اتفاقی (Stochastic) است، درمقابل آلودگیها آسیب‌پذیر است، ... با شناخت این خصوصیات ویژه می‌توان سیاستهای مناسب را در زمینه این منابع ارزشمند اتخاذ کرد.

آب منبعی احیا شونده ولی محدود است؛ لذا در بهره‌برداری از آن باید به بهترین شیوه عمل کرد. این منبع توزیع زمانی و مکانی متفاوت دارد؛ در نتیجه تعادلی میان عرضه و تقاضای آن نیست. از این جهت، نیاز به ذخیره آب یا انتقال آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر وجود دارد. از خصوصیات دیگر این سیستم آن است که تولید و ایجاد آن با

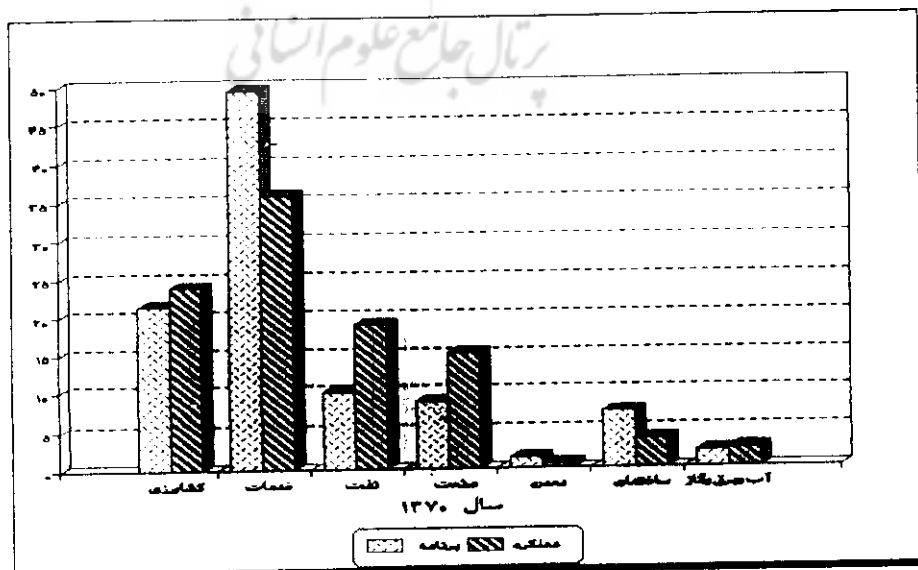
رشد بخش کشاورزی با به کارگیری امکانات بالقوه می‌تواند بسیار بیشتر از وضعیت موجود باشد. امکان دستیابی به هدف بالا تنها از راه اعمال یک برنامه جامع و واقعیت‌نگر عملی است. برنامه اول، سال پایانی خود را می‌گذراند. تجزیه و تحلیل فعالیتها به منظور آشنایی با نواقص و تنگناها می‌تواند در جهت‌گیری و خط‌مشی‌های برنامه دوم مفید واقع شود. در این نوشته، به بررسی عملکرد زیربخشهای مختلف کشاورزی می‌پردازیم و برآنیم ضمن مشخص کردن میزان موفقیت در تحقق اهداف برنامه، پیشنهادهایی را جهت بهبود وضعیت ارائه دهیم.

## ۱- زیر بخش آب و خاک

۱-۱- مقدمه:

سیاستها و استراتژیهای این زیربخش

نمودار شماره ۲- مقایسه عملکرد بخشهای مختلف در سال ۱۳۷۰



مقدار به صورت تبخیر از دسترس خارج می‌شود و آب قابل استحصال حدود ۱۲۰ میلیارد متر مکعب تخمین زده می‌شود. بیش از  $\frac{1}{3}$  این حجم آب به علت توزیع زمانی و مکانی نامناسب و همچنین نبود امکانات ذخیره‌ای به هرز می‌رود. سدهای احداث شده در کشور حجم چشمگیری از مقدار آب را به صورت ذخیره نگهداری می‌کنند ولی به علت رعایت نکردن کامل موارد آبخیزداری و فرسایش زیاد خاک هر سال مقدار زیادی رسوبات در مخازن این سدها جمع می‌شود و ظرفیت آبیگری آنها را کاهش می‌دهد. از مقدار آبی که در فرایند مصرف و تولید قرار می‌گیرد و عمدتاً به مصارف کشاورزی می‌رسد، استفاده مطلوب نمی‌شود. اتلاف آب در مراحل انتقال و همچنین استفاده در سطح مزرعه زیاده است؛ لذا راندمان آب در آبیاری

دیگر نهاده‌ها متفاوت است و بشر دخالتی در تولید اولیه آن ندارد. آب در طبیعت از بارش برف و باران ایجاد می‌گردد و کاملاً خارج از کنترل انسان و تابع عوامل جوی است. بالاخره کمیت و کیفیت آب به وسیله آلودگیها آسیب پذیر است. آب آلوده به مواد شیمیایی قابلیت عرضه برای استفاده در بسیاری مصارف از جمله کشاورزی را ندارد و در صورت اضطرار، باید با صرف هزینه‌های هنگفت آن را قابل استفاده کرد.

باتوجه به موارد بالا، توسعه منابع آب به معنای استفاده مطلوب از وضعیت موجود است. جلوگیری از به هرز رفتن آب و همچنین اصلاح در سیستم بهره‌برداری آب می‌تواند شرایط لازم را برای استفاده مطلوب ایجاد کند. در حال حاضر، طبق آمارهای تخمینی کل حجم آب، حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب است. حجم زیادی از این

نمودار شماره ۳: ارزش افزوده بخش کشاورزی در سه سال اول برنامه



توزیع آن در برنامه اول، طرحهای پوشش انهار سنتی و احداث شبکه‌های فرعی آبیاری در نظر گرفته شد. طرح پوشش انهار سنتی در ۳۴۰ هزار هکتار برای سه سال اول برنامه پنجساله تعیین شده بود که عملکرد طرح حدود ۲۸۰ هزار هکتار گزارش شده است. لذا ۸۲/۴ درصد از اهداف برنامه تحقق یافته است. طرح احداث شبکه‌های فرعی در سطحی برابر ۷۰ هزار هکتار برای سه سال اول برنامه تعیین شده بود که عملکرد طرح فوق‌العاده ضعیف بود و فقط در وسعتی حدود ۵/۵ هزار هکتار عملی گردید. لذا عملکرد طرح تنها ۷/۸ درصد از اهداف برنامه را به تحقق رساند. تکمیل نشدن شبکه‌های فرعی باعث می‌شود که راندمان آب سدها در آبیاری مزارع کاهش یابد. جای تاسف است که سالها از احداث بعضی از سدها می‌گذرد ولی کانالهای ارتباطی هنوز تکمیل نشده است و در برنامه هم علی‌رغم تاکید زیاد و تشخیص ضرورت انجام این امر با عملکردی بسیار ضعیف با آن برخورد می‌شود.

در پروژه‌های مربوط به افزایش راندمان آبیاری در مزرعه، پروژه تجهیز و نوسازی اراضی سنتی عملکردی مطابق برنامه داشته است ولی سه طرح دیگر عملکردی کمتر از ۵۰ درصد برنامه داشته‌اند. از میان این سه طرح، سیستمهای آبیاری تحت فشار فوق‌العاده ضعیف عمل کرده است.

کشاورزی کم است. برای توسعه آب باید: اولاً نواقص و تنگناهای موجود در امر آبخیزداری رافع کرد تا از فرسایش خاک و در نتیجه رسوبگذاری در مخازن سدها جلوگیری شود. لازم است ظرفیت فعلی نگهداری و ذخیره‌سازی آب در سدها حفظ گردد؛ ثانیاً سدهای جدیدی جهت کاهش و جلوگیری از مقدار هرز رفتن آب احداث شود؛ ثالثاً از اتلاف آب هنگام انتقال و همچنین در سطح مزرعه جلوگیری گردد. انجام کلیه این امور به عهده سه وزارتخانه جهاد سازندگی، نیرو، و وزارت کشاورزی است. لذا ضرورت توسعه منابع آب یک هماهنگی کامل و منظم را بین این سه وزارتخانه ایجاب می‌کند.

۱-۲- مقایسه عملکرد با پیش‌بینی برنامه  
در این بخش، اهداف کمی پیش‌بینی شده در برنامه پنجساله با عملکرد در سالهای ۷۰-۱۳۶۸ مورد مقایسه قرار گرفته و نتایج در جدول شماره (۱) نشان داده شده است. برای توسعه آب از راه ذخیره آن، برنامه اول طرحهای کوچک تامین آب را مورد توجه قرار داد. طبق پیش‌بینی برنامه، این طرحها در طول پنج سال می‌بایست به ظرفیتی بالغ بر یک میلیارد مترمکعب آب برسند. هدف تعیین شده برای سه سال اول ۹۰۰ میلیون مترمکعب است که عملکرد بخش حدود ۸۰۰ میلیون مترمکعب را نشان می‌دهد. لذا ۸۸/۹ درصد از هدف برنامه تحقق یافته است.

برای افزایش راندمان آب در انتقال و

# گابخانه فیضیه

جدول شماره (۱) - مقایسه عملکرد و میزان تحقق آن با پیش بینی برنامه زیربخش آب و خاک طی سالهای ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰

میزان تحقق هدف برنامه (درصد)	جمع عملکرد سه ساله	جمع برنامه سه ساله	۷۰			۶۹			۶۸			عملکرد سال ۶۷	نوع عملیات	واحد	شاخص هدف	نصل
			عملکرد	برنامه	نسبت عملکرد نسبت به برنامه (درصد)	عملکرد	برنامه	نسبت عملکرد نسبت به برنامه (درصد)	عملکرد	برنامه	نسبت عملکرد نسبت به برنامه (درصد)					
۸۷/۴	۷۸۰	۳۴۰	۶۲/۵	۱۰۰	۱۶۰	۱۰۰	۹۰	۹۰	۱۰۰	۹۰	۴۸/۱	پوشش آهارشویی	هزارمکثار	افزایش راندمان انتقال و توزیع		
۱۰۰	۱۰۵	۱۰۵	۱۰۰	۴۰	۴۰	۱۰۰	۳۵	۳۵	۱۰۰	۳۰	۱۴/۰۵	تعمیر و نوسازی آراضی سطح	هزارمکثار	افزایش راندمان آبیاری دربروزه	کشاورزی	
۳۵	۵۲/۶	۱۵۰	۵۶	۳۳/۶	۶۰	۳۰	۱۵	۵۰	۱۰	۴	۳/۷	تعمیر و نوسازی آراضی مدرن	هزارمکثار			
۴۷/۵	۲۳۸	۵۰۰	۷۹	۱۵۸	۲۰۰	۵۳/۳	۸۰	۱۵۰	۰	۱۵۰	-	بکارگیری سازی آراضی	هزارمکثار			
۶/۷	۱۰	۱۵۰	۱۶	۸	۵۰	۴	۵۰	۰	۰	۵۰	-	سیستمهای آبیاری تحت فشار	هزارمکثار			
۷/۸	۵/۵	۷۰	۹/۳	۲/۸	۳۰	۷/۵	۱/۵	۲۰	۶	۱/۲	۱۲	احداث شبکه های نوری آبیاری	هزارمکثار	افزایش راندمان انتقال و توزیع		
۸۸/۹	۸۰۰	۹۰۰	۶۶/۷	۲۰۰	۳۰۰	۱۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۵۵	طرحهای کوچک تامین آب	سیلن متریکم	تامین آب	آب	

مانند کتاب خلاصه ای از اقدامات وزارت کشاورزی طی سه سال برنامه پیوسته از آنجا صورت طرح و برنامه وزارت کشاورزی، دی ماه ۱۳۷۰

### ۳-۱- نتایج و پیشنهادها برای زیربخش آب و خاک

به طور کلی از جمع‌بندی مقایسه عملکرد با هدفهای برنامه به این نتیجه می‌رسیم که طرحهای افزایش راندمان آب در طول سالهای مورد مطالعه تنها به میزان ۵۲/۵ درصد از هدفهای برنامه عملکرد داشته است؛ لذا مشکل پایین بودن راندمان آبیاری حل نخواهد شد؛ مگر اینکه در دو سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ رشد فوق‌العاده‌ای در عملکرد ایجاد شود. باتوجه به اهمیت آب در رشد تولیدات بخش کشاورزی و همچنین محدودیت آن پیشنهاداتی به شرح زیر شاید بتواند راهگشا باشد:

- باتوجه به موفق بودن طرحهای کوچک تامین آب و همچنین به هرز رفتن حدود ۴۰ میلیارد مترمکعب آب قابل استحصال، اجرای این طرحها تشویق شود. لازم به یادآوری است در مواردی که پتانسیل مناسب طرحهای بزرگ تامین آب است، باید به آنها اولویت داده شود؛ زیرا دامنه کاربرد آنها وسیعتر است.

- علل عدم موفقیت در اجرای شبکه‌های فرعی باید مشخص شود و این طرحها باتوجه به احداث سدها و تحمل هزینه‌های سنگین احداث آن هرچه زودتر تکمیل گردد. همچنین پوشش آنها سنتی که اجرای آن با سهولت بیشتری انجام خواهد گرفت و عملکرد سه سال اول هم موید آن است، باید در سطح وسیعتری به مرحله اجرا گذاشته شود.

- در طرحهای افزایش راندمان آبیاری در مزرعه، طرحهایی مانند تجهیز و نوسازی اراضی سنتی که محدودیتی از نظر تجهیزات مدرن نداشتند و با مشکلات ساختاری روبرو نبودند، عملکرد مطلوب و رضایت بخشی داشتند اما طرحهایی مانند سیستمهای آبیاری تحت فشار که به تجهیزات وارداتی نیاز داشتند و اجرای آنها به آموزش نیازمند بود، عملکردی ضعیف داشت. لذا باتوجه به اهمیت طرح آبیاری تحت فشار در افزایش راندمان، باید ابتدا مطالعات لازم درمورد چگونگی اجرا، منطقه اجرا، توان مالی، آموزشهای لازم و محاسبات اقتصادی انجام گیرد و در صورت مثبت بودن نتیجه، مطالعات در وسعتی قابل اجرا برنامه‌ریزی شود. درحقیقت، پیچیدگی سیستم مزبور مطالعات عمیقتری را ایجاب می‌کند اما تجهیز و نوسازی اراضی سنتی که پیچیدگی خاصی ندارد باید بیشتر تشویق شود.

- طرح یکپارچه‌سازی از جمله طرحهای نیمه موفق در سالهای مورد بررسی بوده است. اگرچه این طرح می‌تواند تاثیری بسزا در افزایش راندمان آبیاری داشته باشد ولی به علت رویارویی با بعضی از عوامل ساختاری و اجتماعی نمی‌تواند به‌طور مطلوب عمل کند. لذا در معادلات مربوط به اجرای این طرح، علاوه بر عوامل معمول اجرایی باید مسائل ساختاری را هم در نظر گرفت. با



مسئول امور آب و آبیاری بخش کشاورزی

۲- زیربخش زراعت

۱-۲- مقدمه:

زراعت از زیربخشهای مهم بخش کشاورزی است. این زیربخش علاوه بر نقش مهمی که در تامین نیازهای ضروری دارد از نظر سهمی که در تولید بخش برعهده دارد، فوق العاده مهم جلوه می کند.

جدول شماره (۲) ارزش افزوده بخش کشاورزی، ارزش افزوده زراعت به عنوان زیربخشهای کشاورزی و درصد سهم زراعت در ارزش افزوده بخش کشاورزی را نشان می دهد.

براساس جدول زیر درصد چشمگیری از ارزش افزوده بخش کشاورزی متعلق به گروه زراعت است و این بیش از پیش،

افزایش آگاهی و آموزش کشاورزان، میزان موفقیت طرح افزایش می یابد.

- از طرحهای دیگری که در توسعه و تامین آب نقش مهمی دارد، طرح آبخیزداری است. متأسفانه در بخش آب و خاک به این مورد پرداخته نشد اما آمار عملکرد حفاظت آبخیز که در بخشهای بعد ارائه شده است، حاکی از عدم موفقیت در تامین اهداف برنامه است. لذا ضرورت ایجاد می کند که با جدیت بیشتر به این امر پرداخته شود. مراجعه به آمار ظرفیت سدها حاکی از رسوبگذاری زیاد مخزن این سدهاست. این رسوبات به علت ضعف در اجرای امور آبخیزداری است و نتیجه منفی آن به صورت کاهش تدریجی ظرفیت سدها و کوتاه شدن عمر آنها ظاهر می گردد.

- ایجاد هماهنگی بیشتر میان سه وزارتخانه

جدول شماره (۲): ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیربخش زراعت

واحد: (میلیارد ریال) به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱

سال	عنوان	۱۳۵۳	۱۳۵۸	۱۳۶۸	۱۳۶۹
بخش کشاورزی	۱۳۹۳/۵	۱۸۵۱	۲۷۴۶	۲۹۶۷/۵	
زراعت	۷۵۸/۲	۱۱۳۸	۱۵۶۹/۹	۱۶۸۲/۹	
درصد	۵۴/۴	۶۱/۵	۵۷/۲	۵۶/۷	

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حسابهای ملی ایران



طور خیلی خلاصه به شرح زیر بوده است: تهیه و اجرای برنامه جامع کشت، حرکت به سوی کشاورزی نوین و سودآور با سازماندهی نظام بهره‌برداری و تهیه الگوی مناسب کشت در هر منطقه، قیمت‌گذاری مناسب برای محصولات کشاورزی و بیمه و تضمین خرید محصولات اساسی، سازماندهی مجدد و تجدیدنظر در نحوه ارائه خدمات و نهاده‌های کشاورزی و تامین و توزیع بموقع آنها با کیفیت مطلوب و افزایش نرخ بهره‌برداری از عوامل و منابع تولید.

۲-۲-۳- اهداف کمی: طی دوران برنامه، عملیات زیر هدف‌گذاری شده بود:

- توسعه کشت آبی در مجموع در سطح ۳۳۰ هزار هکتار به صورت کشت اول و ۱۵۰ هزار هکتار کشت دوم

- تقلیل سطح کشت گندم و جو دیم به ترتیب ۵۰۰ هزار هکتار و ۱۶۰ هزار هکتار - توسعه سطح زیر کشت سایر زراعت‌های دیم (باستثنای گندم و جو) در مجموع ۱۲۴ هزار هکتار

جدول شماره (۳): افزایش عملکرد محصولات کشاورزی طبق برنامه ارقام: کیلوگرم در هکتار

محصول	سال پایه	پایان برنامه
گندم آبی	۱۹۶۴	۳۲۰۰
جو آبی	۲۰۱۷	۲۹۰۰
چغندر قند	۲۶۰۰۰	۲۳۵۰۰
برنج (شلتوک)	۳۴۲۲	۳۹۰۰

اهمیت این زیربخش را نشان می‌دهد. برای آشنایی بیشتر با عملکرد برنامه ابتدا خلاصه‌ای از اهداف و سیاست‌های برنامه ارائه شده را برمی‌شمیریم و سپس به بررسی عملکرد محصولات اساسی می‌پردازیم.

## ۲-۲- دیدگاه‌های اصلی برنامه پنجساله در زیربخش زراعت

دستیابی به خودکفایی در محصولات استراتژیک از اهداف اساسی دولت است. در این رابطه، با بررسی دقیق امکانات کشور در تأمین عوامل مورد نیاز و تعیین الگوی مناسب کشت به تفکیک مناطق کشور و به کارگیری روش‌های نوین مناسب می‌توان به افزایش تولید چشمگیری در زمینه محصولات مختلف کشاورزی دست یافت. سیاست‌گذاری‌های واقع‌بینانه، برنامه‌ریزی اصولی و منطبق با امکانات کشور، کوشش‌های تحقیقاتی و ترویجی و بالاخره هماهنگی بخش و اجرای درست برنامه‌ها ضمانت اجرایی مطمئن و کافی را برای دسترسی به مراحل خودکفایی قابل قبول فراهم می‌سازد.

۱-۲-۲- اهداف: افزایش تولیدات زراعی و باغی با در نظر گرفتن اولویت محصولات اساسی از راه افزایش میزان تولید در واحد سطح، افزایش سطح زیرکشت آبی، استفاده درست و موثر از ابزار و نهاده‌های کشاورزی و افزایش سطح مبارزه تلفیقی با آفات و علف‌های هرز از هدف‌های برنامه است.

۲-۲-۲- سیاستها و استراتژی‌های کلی: به

### ۳-۲- عملکرد در زمینه تولید محصولات اساسی

افزایش عملکرد محصولات کشاورزی و افزایش تولید در سال پایان برنامه در مقایسه با سال پایه مطابق با جدولهای (۳) و (۴) است همچنین عملکرد زیربخش زراعت طی چهار سال برنامه اول در مقایسه با هدفهای تعیین شده در جدول شماره (۵) نشان داده شده است. طبق برنامه مجموع تولید محصولات برای چهار سال از لحاظ وزنی ۱۰۰۶۳۷ هزار تن در نظر گرفته شده بود اما میزان تولید این محصولات به ۹۶۷۶۶ هزار تن بالغ گردید؛ لذا حدود ۹۶ درصد از هدفهای برنامه به وسیله این زیربخش تأمین شده است.

میزان تحقق هدفهای برنامه به تفکیک محصولات در چهار سال متفاوت بوده است و ما به طور بسیار مختصر هریک از آنها را توضیح می دهیم.

### جدول شماره (۴) افزایش تولید محصولات اساسی طبق برنامه

ارقام: هزار تن

سال محصول	سال پایه	پایان برنامه
گندم (آبی و دیم)	۷۰۰۰	۱۱۰۴۸
برنج (سلتوک)	۱۷۰۰	۲۰۰۰
انواع علوفه	۹۰۰۰	۱۴۹۰۰
دانه های روغنی	۱۴۱	۳۰۰
پنبه (وش)	۳۴۱	۴۵۲

**گندم:** طی سالهای مذکور مجموع تولید گندم به میزان ۳۴۷۱۹ هزار تن پیش بینی شده بود. رقم بالایی از آن به میزان ۳۳۱۷۴ هزار تن یعنی معادل ۹۵/۵ درصد از اهداف تحقق پذیرفت. عمده ترین میزان کاهش تولید مربوط به سال ۱۳۶۸ است. مقدار تولید در سال مذکور نسبت به سال پایه ۱۳۶۷، ۱۰۰۲ هزار تن کمتر می باشد. کارشناسان میزان کاهش تولید را مربوط به دوره خشکسالی سال زراعی ۶۸-۶۷ می دانند که باعث افت شدید تولید گندم شد. رشد متوسط سالانه تولید گندم ۱۰/۲ درصد بوده است که نسبت به رشد متوسط برنامه (۹/۸ درصد) جلوتر است.

دلایل موفقیت تولید گندم به شرح زیر می باشد.

- امکانات مالی (حدود ۱۰ میلیارد ریال) و نیروی انسانی بسیاری به تولید محصول گندم اختصاص داده شده است.
- تحقیقات لازم جهت انتقال تکنولوژی نوین به سطح روستا با کاربرد نیروهای پر بازده در قالب طرحهای مختلف صورت گرفته است.

- سیاست قیمت گذاری به عنوان مهمترین ابزار در مورد محصول گندم از کارایی مطلوبی برخوردار بوده است. (افزایش قیمت از ۱۰۰ ریال در سال ۶۸ به ۲۶۰ ریال در سال ۷۲ برای هر کیلوگرم گندم موجب رشد چشمگیر تولید گندم گردیده است).

جدول شماره (۵) - عملکرد بخش زراعت طی چهار سال برنامه اول در مقایسه با هدفهای تعیین شده

واحد: هزارتن

عملکرد درصود عملکرد به برنامه	جمع چهارسال		متوسط رشد		سال ۱۳۷۱		سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۶۹		سال ۱۳۶۸		واحد نقشه گیری	تولید گندم تولید جو تولید چمندرقند تولید سیب زمینی تولید برنج (شلتوک) تولید پیاز تولید حبوبات تولید پسته تولید نشکر	
	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد نسبت به برنامه	عملکرد نسبت به برنامه	عملکرد نسبت به برنامه	عملکرد نسبت به برنامه	عملکرد نسبت به برنامه	عملکرد نسبت به برنامه	عملکرد نسبت به برنامه	عملکرد نسبت به برنامه			
۹۵/۵	۳۳۱۷۴	۳۴۷۱۹	۱/۲	۹/۸	۱۰۱/۷	۱۰۳۵۹	۱۰۱۸۵	۹۹/۴	۱۷۹۳	۸۸۲۷	۹۷/۵	۸۰/۵	۷۶۶۹	۱۳۶۷	هزارتن
۱۰۲/۸	۱۳۷۶۸	۱۴۴۱۲	۵/۰	۵/۷	۱۰۰/۰	۳۴۶	۳۴۵۹	۹۶/۷	۳۱۰۱	۳۲۰۷	۱۱۳	۱۰۲/۷	۲۷۷۳	"	"
۸۶/۳	۱۸۱۷۶	۲۱۰۹۳	۷/۸	۹/۲	۱۰۱/۵	۶۰۰۰	۵۹۱۱	۹۱/۳	۵۰۰۰	۵۴۸۲	۷۳/۴	۷۵/۷	۳۵۳۵	۲۴۴۶	"
۹۸/۳	۹۸۱۹	۹۹۹۹	۳/۳	۳/۷	۹۸/۳	۲۶۵۸	۲۷۰۴	۱۰۳/۸	۲۶۱۲	۲۵۱۶	۱۰۳/۴	۸۶/۶	۳۳۳۷	۳۳۴۰	"
۱۰۷/۴	۸۶۹۲	۸۰۹۰	۱۰/۱	۴/۸	۱۱۳/۶	۲۵۰۰	۲۰۳۳	۱۲/۳	۳۳۵۷	۳۳۵۷	۱۰۵/۸	۱۸۵۴	۱۸۳۸	۱۷۰۰	"
۱۰۳/۸	۴۰۳۵	۳۸۹۵	۲/۷	۳/۳	۹۸	۱۰۱۵	۱۰۳۵	۱۱۳/۶	۱۱۳۵	۹۹۰	۱۲۸/۴	۶۹۳	۹۳۴	۹۱۱	"
۱۱۳/۸	۱۹۰۶	۱۶۷۵	۱۹/۷	۱۱/۷	۱۳۲	۶۲۵	۴۷۳	۱۳۲/۳	۵۷۷	۴۳۶	۱۱۰/۰	۷۲/۱	۳۶۶	۳۰۴	"
۱۰۲/۳	۱۶۳۰	۱۵۹۴	۳/۱	۶/۶	۸۷/۵	۳۸۶	۴۴۱	۱۰۰/۲	۲۱۲	۲۱۱	۱۱۲/۴	۱۰۹/۷	۳۶۰	۳۴۱	"
۹۱/۵	۶۵۵۶	۷۱۶۱	۳/۷	۵/۶	۹۳/۹	۱۸۳۰	۱۹۶۰	۸۹/۲	۱۶۳۳	۱۸۳۰	۸۹	۹۵/۳	۱۵۷۵	۱۵۷۴	"

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان برنامه و بودجه، کتاب «پس از چهار سال» نودپنجمین، ۱۳۷۲، صفحه ۱۰۸  
 واحد: وزارت کشاورزی، اداره کل آمار و اطلاعات

نامناسب برای محصول چغندر قند و عدم رعایت توازن و تعادل در قیمت‌گذاری این محصول<sup>۳</sup> نسبت به محصولات دیگر بود. با اتخاذ سیاستهای جدید در قیمت تضمینی، بیمه محصولات، راه‌اندازی کارخانجات قند و تامین بموقع بذره‌های اصلاح شده مورد نیاز، تولید به روند عادی بازگشته است؛ به طوری که در دو سال بعدی برنامه از رشد چشمگیری برخوردار بوده است.

**برنج (شلتوک):** محصول برنج با متوسط رشد سالانه‌ای به میزان ۱۰/۱ درصد از متوسط رشد پیش‌بینی شده در برنامه (۴/۸ درصد) بیشتر بوده است. در مجموع چهار سال مقدار ۶۰۲ هزار تن برنج بیش از مقدار پیش‌بینی برنامه تولید شده است. دلایل افزایش را می‌توان افزایش قیمت و سودآور شدن کشت برنج ذکر کرد. به دنبال افزایش قیمت، انگیزه کشاورز برای سرمایه‌گذاری و افزایش سطح زیرکشت، کاربرد ارقام پرمحصول و حتی کشت دوم تقویت شد که افزایش تولید را به همراه داشت. در هر حال، تولید داخلی کفایت نیاز مصرفی کشور را نمی‌کند و سالانه هزارها تن برنج از خارج وارد می‌شود. با اتخاذ سیاستهای مناسب قیمتی و وارداتی به موازات گسترش تحقیقات، پتانسیل خوبی

از مجموع یک میلیون هکتار افزایش سطح زیرکشت طی سالهای برنامه، بیش از نیمی از آن (۶۰ درصد) به کشت گندم آبی اختصاص داده شده است. از بعد اقتصادی در کشور ما افزایش عملکرد با تهیه بذره‌های پربازده و سرمایه‌گذاری بیشتر باید انجام گیرد؛ زیرا افزایش سطح زیرکشت گندم بسیار هزینه‌بر است.

**جو:** تولید محصول جو با متوسط رشد سالانه معادل ۵ درصد طی سالهای ۶۸-۷۱ از رقم ۲۸۴۷ هزار تن در سال ۶۸ به ۳۴۶۰ هزار تن در سال ۷۱ بالغ گردید. مجموع میزان تولید به ۱۲۷۶۸ هزار تن بالغ گردید؛ یعنی، معادل ۳۵۶ هزار تن بیش از پیش‌بینی برنامه تولید شده است. علت اصلی این موفقیت قیمت بالای این محصول در بازار بوده است.

این محصول به عنوان کالای واسطه‌ای (علوفه) جهت تغذیه دام به مصرف می‌رسد. با افزایش قیمت گوشت، تقاضا برای جو افزایش یافته و موجب افزایش قیمت شد. افزایش قیمت نیز به طور مستقیم افزایش تولید را سبب گردید.

**چغندر قند:** میزان تولید این محصول از ۳۵۳۵ هزار تن در سال ۶۸ به ۶۰۰۰ هزار تن در سال ۷۱ افزایش یافت. رشد متوسط سالانه تولید در حدود ۷/۸ درصد بود که به میزان ۱/۵ درصد از پیش‌بینی برنامه (۹/۲ درصد) کمتر است. دلیل عمده کاهش تولید در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ قیمت‌گذاری

۳- قیمت تضمینی چغندر قند از حدود هر کیلوگرم ۱۲۰ ریال در سال ۱۳۶۸ به کیلویی ۳۲۰ ریال در سال ۱۳۷۱ بالغ گردیده است. در مقایسه با هزینه تمام شده بالای کاشت و داشت آن نسبت به قیمت تضمینی محصول گندم، از رشد ناچیزی برخوردار بوده است.

محصولات سودآور رقابت کند.

- بهبود و نظام خدمات دهی نهاده‌ای و تکنولوژی کاهش هزینه‌های تولید
- ترویج شیوه‌های مدرن کشاورزی و آموزش کشاورزان
- کنترل واردات و تعیین عوارض گمرکی برای حمایت از تولیدات داخلی
- ارائه بموقع تسهیلات بانکی به کشاورزان
- تشویق صادرات پنبه و فراورده‌های آن
- نظام‌دهی به سیستم بازاریابی پنبه و ارائه خدمات مربوط از جمله انبارداری، حمل و نقل، ...
- بیمه کردن محصول پنبه در مقابل حوادث پیش‌بینی نشده از جمله خشکسالی، سیل، ...

**نیشکر:** در سالهای ۷۱-۱۳۶۸ میزان تولید نیشکر همواره کمتر از اهداف برنامه بوده است. در سال ۱۳۶۹ با کمترین میزان تولید یعنی ۱/۵۳۸ هزارتن روبرو بوده‌ایم. تولید نیشکر طی سالهای مذکور با نرخ رشد متوسط ۳/۷ درصد به ۶۵۵۶ هزارتن بالغ گردیده است که نسبت به رقم ۷۱۶۱ هزارتن پیش‌بینی شده در برنامه، معادل ۶۰۵ هزارتن کمبود تولید وجود دارد در مجموع ۹۱/۵ درصد از اهداف تحقق یافته است.

کاهش تولید نیشکر می‌تواند به دلایل زیر باشد: کاهش عملکرد نیشکر از ۱۰۰ تن درهکتار در قبل از انقلاب به حدود ۷۰ تن درهکتار در حال حاضر، ضعفهای اجرایی و مدیریتی، نبود تحقیقات کافی برای افزایش تولید نیشکر، کمبود نیروی انسانی متخصص و تجربه مفید در این زمینه.

جهت خودکفا شدن این محصول وجود دارد. تنگناهای موجود برای این محصول را باید محدودیت آب، بالا بودن هزینه‌های تولید به لحاظ سنتی بودن شیوه تولید و کاربرد بودن آن، استفاده محدود از بذره‌های پرمحصول، نبود امکانات نگهداری محصول برای کشاورزان، وجود دلالتان و واسطه‌ها، عدم حمایت و پشتیبانی لازم اعتباری، واردات بدون کنترل و توزیع زمانی نامناسب آن دانست.

**پنبه(وش):** تولید پنبه (وش) با جهش خوبی از ۳۹۵ هزارتن در سال ۱۳۶۸ به ۴۳۷ هزارتن در سال ۱۳۶۹ رسید. اما در سال ۱۳۷۰ به ۴۱۳ هزارتن و در سال ۱۳۷۱ به ۳۸۶ هزارتن کاهش یافت. در سال ۱۳۷۱ تنها ۸۷/۵ درصد اهداف برنامه تحقق یافته است. در مجموع طی چهار سال تولید معادل ۱۶۳۰ هزارتن است که در مقایسه با ۱۵۹۴ هزارتن اهداف برنامه به میزان ۳۶ هزارتن اضافه تولید ایجاد شده است. در سالهای اخیر، کاهش قیمت تضمینی پنبه نسبت به سایر محصولات، افزایش هزینه‌های تولید، نوسانات قیمت و اعمال سیاست واردات آزاد نخ و پارچه و الیاف مصنوعی توسط صنایع نساجی کشور موجب عدم خرید پنبه و نهایتاً کاهش تولید آن شده است. چنانچه روند فعلی ادامه یابد، احتمالاً در سالهای آینده نیز سطح زیرکشت تولید پنبه همچنان کاهش می‌یابد. در زیر، برای پیشرفت و توسعه محصول یاد شده، پیشنهادهایی را مطرح می‌کنیم:

- تضمین قیمت پنبه به طوری که با سایر

۵ درصد، برنج ۱۰/۱ درصد، حبوبات ۱۹/۷ درصد، چغندر قند ۷/۸ درصد، سیب زمینی ۳/۲ درصد، پیاز ۲/۷ درصد، پنبه ۳/۱ درصد و نیشکر ۳/۷ درصد بوده است. برای بهبود عملکرد بخش زراعت پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می شود.

۱- تخصیص بهینه براساس اصول اقتصادی و با قید خودکفایی در محصولات مورد هدف

۲- حمایت از تولیدکنندگان به صورت:

الف - ترویج و تامین نهاده های سودآور و ارائه خدمات آموزشی لازم

ب- کنترل واردات با ابزار تعرفه. در حال حاضر تولیدات داخلی مصونیتی در مقابل واردات ندارند. اگر واردات به وسیله تعرفه محدود شود، نه تنها تولیدکننده استفاده خواهد برد بلکه با درآمد حاصل از تعرفه و توزیع مجدد آن میان مصرف کنندگان می توان از افزایش قیمت احتمالی و کاهش تقاضا جلوگیری کرد.

ج - تضمین قیمت بر مبنای اصولی اقتصادی که جوانب عرضه، تقاضا و منابع در نظر گرفته شده باشد.

د - بیمه کردن محصولات کشاورزی در مقابل حوادث پیش بینی نشده مانند سیل، سرما، خشکسالی، ...

۳- هدایت تدریجی نظام تولید به سمت کشاورزی مدرنیزه. اگرچه ممکن است در این مسیر موانع ساختاری و عوامل

سیب زمینی، پیاز، حبوبات: وضعیت تولید این سه محصول در جدول شماره (۵) نیز آمده است. سیب زمینی در مجموع برای چهار سال عملکردی حدود ۹۸۱۹ هزار تن داشته است که نسبت به مجموع برنامه (۹۹۹۹ هزار تن) کسری داشته و توانسته است حدود ۹۸/۲ درصد از اهداف تعیین شده را تحقق بخشد. عملکرد پیاز در طول چهار سال برنامه ۱۰۳/۸ درصد برنامه بوده که ۳/۸ درصد بیش از هدف برنامه است. عملکرد حبوبات در طول چهار سال ۱۱۳/۸ درصد بوده که ۱۳/۸ درصد بیش از هدف برنامه بوده است. قیمت بالای محصولات یاد شده در بازار و سودآوری تولید آنها سبب تشویق کشاورزان به تولید بیشتر گردیده است.

۴-۲- نتایج و پیشنهادها در بخش زراعت:

بررسی عملکرد زراعت نشان می دهد که ۹۶ درصد از هدفهای برنامه تامین شده است. میزان تحقق هدفهای برنامه به تفکیک محصولات در طول چهار سال متفاوت بوده و در مجموع گندم ۹۵/۵ درصد، جو ۱۰۲/۸ درصد، چغندر قند ۸۶/۲ درصد، سیب زمینی ۹۸/۲ درصد، برنج ۱۰۷/۴ درصد، پیاز ۱۰۳/۸ درصد، حبوبات ۱۱۳/۸ درصد، پنبه ۱۰۲/۳ درصد و نیشکر ۹۱/۵ درصد می باشد. رشد متوسط سالانه برای گندم ۱۰/۲ درصد، جو

مردمی تولید و بازاریابی؛ این تعاونیها باید از روی آگاهی و میل و اراده افراد تشکیل شده باشد. شکل غالب نظام بهره‌برداری کشور ما در این زیربخش، به صورت بهره‌برداریهای کوچک و سنتی است. افراد به تنهایی توانایی سرمایه‌گذاریهای لازم را ندارند. تجربه سایرکشورها نشان داده‌است که تشکلهای تعاونی می‌توانند در چنین نظامهایی راهگشا باشد؛ لذا آموزش و حمایت ارائه شده از سوی دولت جهت گسترش شکل صحیح این تعاونیها مفید است.

۸- تشویق صادرات محصولاتی که پتانسیل لازم را دارند.

### ۳- زیربخش عملکرد دامپروری

۱-۳- مقدمه

پروتئین نقشی عمده در رژیم غذایی انسان دارد و میزان مصرف آن بر حسب سن، جنس و نوع فعالیت افراد، متفاوت است. طبق استاندارد جهانی هر نفر دست کم روزانه به ازای هر کیلوگرم وزن بدن به یک گرم پروتئین نیاز دارد. نقش پروتئین حیوانی در این خصوص نسبت به پروتئین گیاهی به دلیل وجود اسیدآمینوهای ضروری بارزتر است. استاندارد مصرف سرانه گوشت ۲۵/۵ کیلوگرم است که در سال ۱۳۷۱ مصرف سرانه گوشت هر فرد ایرانی ۲۱ کیلوگرم بوده است.

۲-۳- مروری بر عملکرد زیربخش دامپروری

زیربخش دامپروری که عهده‌دار تامین

اجتماعی به عنوان موانعی مطرح شوند، ولی سیستم فعلی هم مطلوب نیست و باید بتدریج و درطول اجرای چند برنامه این هدف بلندمدت تامین شود.

۴- اصلاح و بهبود نظام توزیع و بازاریابی محصولات کشاورزی

۵- توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری

۶- هماهنگی سیاستها؛ کشاورزی به علت فصلی بودن ماهیت خاصی دارد. قیمت در فصل برداشت در پایین‌ترین حد خود است. از طرف دیگر، کشاورز به علت نداشتن تأسیسات نگهداری و پرداخت سررسید و امها بعد از برداشت باید تمام تولیدات را یکجا و در مدتی بسیار کوتاه به بازار عرضه کند. لذا از این شرایط استثنایی واسطه‌ها سوءاستفاده کرده و محصول کشاورز را با قیمت خیلی ارزان خریداری می‌کنند. هماهنگی سیاستهای وارداتی، اعتباری و بازاریابی می‌تواند تا حدود زیادی این مشکل را رفع کند. در این مورد لازم است:

الف - در فصل برداشت هر محصول، مشابه وارداتی آن توزیع نگردد؛ زیرا این امر باعث کاهش سریع قیمتها می‌شود؛

ب - امکانات و خدمات نگهداری محصولات برای کشاورزان ایجاد شود؛

ج - سررسید پرداخت و امهای کشاورزی با فاصله‌ای مناسب از زمان برداشت محصول باشد تا کشاورز بتواند بتدریج محصولات را به بازار عرضه کند و از مزایای قیمتی برخوردار گردد.

۷- تشویق و توسعه شرکتهای تعاونی



جدول شماره ۴ - برنامه و عملکرد کنی زیربخش دامپروری طی چهار سال برنامه اول

ارزاق: هزار تن - درصد

شماره ردیف	هدف	سال ۱۳۶۷		سال ۱۳۶۸		سال ۱۳۶۹		سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۷۱	
		برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد
۱	تولید گوشت قرمز	۵۲۵	۵۲۰	۵۷۰	۵۷۰	۵۷۰	۵۹۰	۵۹۵	۵۹۵	۶۰۰	۶۲۵
۲	تولید گوشت مرغ	۳۰۰	۳۲۰	۳۵۰	۳۵۶	۳۵۰	۳۵۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۶۲
۳	تولید تخم مرغ	۲۵۰	۲۸۰	۱۱۲	۱۱۲	۲۹۰	۲۹۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۹۰	۳۹۰
۴	تولید شیر	۳۴۰۰	۳۵۰۰	۳۸۲۷	۳۵۶۰	۳۹۲۹	۳۸۰۰	۴۰۳۵	۴۰۰۰	۴۱۴۵	
۵	تولید عمل	۱۲	۱۴/۲	۱۴/۲	۱۰۰	۱۶/۲	۱۱۱	۲۰	۱۱۶/۳	۱۸/۲	

جدول شماره ۷ - سرمایه گذاری انجام شده در زیربخش دامپروری در برنامه اول

ارزاق: میلیارد ریال - درصد

شماره ردیف	هدف	سال ۱۳۶۸		سال ۱۳۶۹		سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۷۱	
		برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد
۱	افزایش تولید گوشت قرمز و شیر	۱۴/۸	۱۳/۶	۳۲/۷	۳۲/۷	۳۳/۲	۳۷/۷	۳۳/۱	۳۳/۴
۲	افزایش تولید مرغ و تخم مرغ	۱/۲	۱/۷	۷/۹	۹۱/۵	۱/۹	۲/۴	۱	۱/۰۲
۳	افزایش تولید عمل	۰/۲۷	۰/۱۴	۰/۲۷	۸۲	۰/۳۰	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۲۲
۴	جمع	۱۴/۳	۱۵/۴	۳۵/۹	۳۵/۹	۳۶/۳	۴۰/۴	۳۶/۳	۳۶/۴
۵	کل سرمایه گذاری در کشاورزی	۲۸۳/۲	۲۲۲/۳	۲۷۲/۴	۲۲۵/۲	۲۴۶/۹	۵۰۲/۵	۸۹	۵۷۱/۶
۶	سهم دامپروری از کل سرمایه گذاری	۵/۸	۹/۹	۹/۵	۱۰/۵	۸	۸	۴/۴	۴/۴

است. در زمینه تولید گوشت مرغ، در سال ۱۳۶۸ تولید ۳۲۰ هزارتن بود که به ۵۲۰ هزارتن در سال ۱۳۷۱ رسیده است و تحقق برنامه روند افزایشی داشته و به ۱۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۱ رسیده است. برای تولید تخم مرغ، روند تحقق برنامه نزولی بوده ولی هرگز در طی دوره اجرای برنامه از ۱۰۰ درصد کاهش نیافته است. در خصوص تولید شیر، تحقق برنامه از ۱۰۷/۸ درصد سال ۱۳۶۸ به ۱۰۳/۶ درصد برای سال ۱۳۷۱ می‌رسد ولی برای تولید عسل از صددرصد سال ۱۳۶۸ به ۱۲۶/۴ درصد در سال ۱۳۷۱ بالغ می‌شود که بیشترین درصد تحقق برنامه را داراست.

از طرف دیگر می‌توان اهداف کمی زیربخش دامپروری را در قالب سرمایه‌گذاریهای انجام شده مورد بررسی قرار داد. مجموع سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید گوشت قرمز و شیر در برنامه برای سال ۱۳۶۸، ۱۴/۸ میلیارد ریال در نظر گرفته شده بود. عملکرد برای این سال رقم ۱۳/۶ میلیارد ریال را نشان می‌دهد.

در همین زمینه برای سال ۱۳۷۱ در برنامه ۲۲/۱ میلیارد ریال اعتبار جهت سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده بود ولی عملکرد، رقم ۲۳/۴ میلیارد ریال را نشان می‌دهد. در خصوص افزایش تولید گوشت مرغ و تخم مرغ تحقق برنامه در سال ۱۳۷۰ حدود ۸۲ درصد و در سایر سالهای برنامه، بالاتر از این درصد بوده است؛ چنانکه در سال ۱۳۶۸ تحقق برنامه به ۱۴۰/۷ درصد رسیده است. در افزایش تولید عسل تحقق

پروتئین حیوانی در کشور است، ارزش افزوده این زیربخش را از ۱۱۲۶/۲ میلیارد ریال (قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱) برای سال ۱۳۶۸ به ۱۳۵۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ رسانده است. سهم ارزش افزوده دامپروری برای سه سال اول برنامه توسعه جمهوری اسلامی از کل بخش کشاورزی به ترتیب حدود ۴۱، ۴۱/۶ و ۴۳/۳ درصد است و مقام دوم را میان زیربخشهای کشاورزی بعد از زراعت دارد.

برنامه پنجساله ۱۳۶۸-۷۲ دام و طیور که به وسیله کمیته برنامه‌ریزی وزارت کشاورزی مطرح و تصویب شده، اهداف کیفی و کمی چندی را مدنظر قرار داده است. اهداف کیفی عمدتاً تاکید بر افزایش کمی و کیفی تولیدات دامی و افزایش تولید داخلی، حفظ منابع دام و طیور کشور، افزایش نسبی درآمد شاغلین دامپروری، استفاده بهتر از فرآورده‌های دامی و توسعه دامداری بوده است. برنامه‌ریزی برای افزایش تولید گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم مرغ، شیر و عسل از مواردی است که در اهداف کمی مورد نظر سیاست‌گذاران این زیربخش قرار گرفته است.

در بررسی برنامه و عملکرد کمی زیربخش دامپروری، عملکرد بیش از صددرصد در هریک از موارد یاد شده در هدفهای کمی وجود دارد. در مورد گوشت قرمز، در سال ۱۳۶۸ تولید ۵۴۰ هزارتن بوده است که به ۶۲۵ هزارتن در سال ۱۳۷۱ می‌رسد و تحقق برنامه از ۱۰۳/۷ درصد به ۱۰۴/۲ درصد طی سالهای یاد شده رسیده

از ۱۸۲ هزارتن در سال ۱۳۶۷ به ۷۰ هزارتن در سال ۱۳۷۱ کاهش یافته است و در نتیجه، سهم تولید داخلی از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۱ از ۷۳ درصد به ۹۰ درصد افزایش یافته است ولی مصرف کل از ۷۰۷ هزارتن به ۶۹۵ هزارتن طی سالهای یاد شده رسیده است. افزایش جمعیت از یک سو و کاهش مجموع تولید و واردات از سوی دیگر باعث شده است که قیمت گوشت چندین برابر شود و مصرف سرانه کاهش یابد. اگر هدف، افزایش سهم تولید داخلی در مصرف است باید سیاست مناسب برای رسیدن به آن طرح ریزی شود؛ یعنی اینکه کاهش واردات، با افزایش تولید داخلی هماهنگ باشد. عملکرد برنامه چنین نشان نمی دهد؛ برای مثال، در سال ۱۳۷۰ افزایش تولید گوشت قرمز نسبت به هدف برنامه ۵ هزارتن بوده (برنامه ۵۹۰ هزارتن و عملکرد ۵۹۵ هزارتن) ولی کاهش واردات ۱۳۰ هزارتن بوده است (۲۳۰ هزارتن در برنامه و ۱۰۰ هزارتن در عملکرد)؛ یعنی افزایش تولید داخلی  $\frac{1}{26}$  کاهش واردات است. نتیجه خالص این امر کاهش مصرف سرانه است که هدف کیفی برنامه خلاف آن می باشد؛ لذا هرگونه تغییر و تحولات در سیاست دامپروری می تواند بر رفاه مصرف کننده و از کانال تغذیه و عمدتاً روی قشر آسیب پذیر جامعه تاثیرات نابجا بگذارد. کاهش واردات در صورتی مطلوب است که با افزایش مناسب تولید همراه باشد.

سرمایه گذاری از ۵۰ درصد به ۱۰۸ درصد طی چهار سال اول برنامه رسیده است. با نگاهی کلی به سرمایه گذاریهای انجام شده در زمینه افزایش تولیدات دامی، درمی یابیم که روند تحقق برنامه صعودی بوده است ولی همواره طی سالهای برنامه سهم کل سرمایه گذاری در دامپروری کمتر از ده درصد سرمایه گذاری در کشاورزی می باشد. این در حالی است که گوشت و فرآورده های دامی بخش مهمی از هزینه خوراک اقشار شهری و روستایی را به خود اختصاص می دهد. از سوی دیگر، زیربخش دامپروری مقام دوم را در مورد ارزش افزوده داراست. لذا ضروری است برای حمایت از تولیدکننده و نیز مصرف کننده سهم سرمایه گذاری در این زیربخش افزایش یابد. در بررسی هدفهای کیفی برنامه به مهمترین مورد آن یعنی افزایش تولید دامی و سهم تولید داخلی در کل مصرف سرانه می پردازیم. در بررسی اهداف کمی برنامه دیدیم که افزایش محسوسی در تولید فرآورده های دامی حاصل شده است؛ به طور مثال، گوشت قرمز از ۵۲۵ هزارتن در سال ۱۳۶۷ به ۶۲۵ هزارتن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته است. افزایش صد هزارتن طی چهار سال می تواند عملکردی مناسب باشد. پس، قسمت نخست هدف کیفی تحقق یافته است. در خصوص افزایش سهم تولید داخلی در مصرف زیربخش دامپروری تا حدودی موفق بوده است. واردات گوشت

### ۳-۳- عملکرد سازمانهای مرتبط با زیربخش دامپروری

۱-۳-۳- سازمان دامپروری - مهمترین فعالیتهای این سازمان شامل اصلاح نژاد دامهای بومی و ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی شیر و گوشت است. این فعالیتهای در قالب طرحهای ملی و استانی می‌بایست طی برنامه اجرا می‌شود. چهار طرح عمده این سازمان شامل موارد زیر است:

۱- افزایش تولید شیر خام و اصلاح نژاد گاو و گاو میش  
۲- تولید و توزیع قوچ و اصلاح نژاد گوسفند

۳- پرورش طیور

۴- بهبود و افزایش تغذیه دام و طیور

هریک از طرحهای یاد شده شامل چندین پروژه کوچکتر است. به دلیل نبود آمار در زمینه عملکرد فیزیکی هریک از طرحها، دراین نوشته به عملکرد سرمایه‌گذاری هریک از طرحها می‌پردازیم. درابتدا کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سازمان دامپروری را مورد بررسی قرار می‌دهیم. آنچه از عملکرد کلی به دست می‌آید، روند نزولی تحقق اهداف برنامه از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۰ را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که تحقق برنامه از ۹۴ درصد به ۵۲ درصد کاهش پیدا کرده است. درسال ۱۳۶۹ عملکرد نامناسب طرح اول و دوم که سهم زیادی از سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده‌اند (تحقق برنامه برای طرح اول ۷۸/۵ درصد و طرح دوم ۷۵/۴ درصد) و نیز طرح چهارم (تحقق برنامه ۵۴/۴

درصد) باعث کاهش تحقق برنامه شده بود. درسال ۱۳۷۰ طرحهای دوم و سوم تاثیر زیادی درکاهش عملکرد سرمایه‌گذاری این سال داشته‌اند (تحقق برنامه ۶۱/۷ و ۳۵/۶ درصد) ولی درسال ۱۳۷۱ تحقق برنامه به میزان ۱۴۱ درصد رسیده است.

۲-۳-۳- سازمان دامپزشکی - فعالیتهای مهم این سازمان شامل امور بهداشت و درمان دامها جهت کاهش تلفات دام و ضایعات محصولات است. این فعالیتهای طی برنامه در قالب چهار طرح گنجانده شده و شامل موارد زیر است:

۱- کنترل بروسلوز و ریشه‌کنی سل گاوی

۲- مبارزه با بیماریهای انگلی

۳- ایجاد قرنطینه‌های مرزی

۴- تأسیس و تجهیز آزمایشگاههای سراسر کشور

درصد تحقق برنامه برای چهار طرح یاد شده از جنبه سرمایه‌گذاری در چهارسال برنامه به ترتیب ۸۴، ۹۶، ۸۳ و ۱۲۰ درصد است.

نکته قابل توجه دراین خصوص این است که حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد دامهای کشور به بیماریهای انگلی، سل و بروسلوز مبتلا هستند و سالانه حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزارتن گوشت قرمز از این طریق ضایع می‌شود. لذا عملکرد سازمان دامپزشکی درجذب سرمایه نمی‌تواند نشان دهنده رسیدن به اهداف تعیین شده باشد. جمعیت گوسفندی کشور حدود ۴۵ میلیون رأس است که ۴۰ درصد جمعیت دامی کشور را تشکیل می‌دهد و متوسط وزن لاشه

۴-۳-۳- سازمان جنگلها<sup>۴</sup>

الف - مراتع

براساس آخرین بررسیها مراتع ایران بالغ بر ۹۰ میلیون هکتار مساحت دارند که به مراتع خوب (۱۴ میلیون هکتار)، متوسط تا ضعیف (۹۰ میلیون هکتار) و ضعیف تا فقیر (۱۶ میلیون هکتار) تقسیم‌بندی می‌شوند. طبق نظر کارشناسان دفتر فنی مرتع، تعداد دامهایی که از مراتع استفاده می‌کنند، بیش از ۶۰ میلیون واحد است که با احتساب ۱۱۲ میلیون واحد دامی موجود در کشور، بیش از ۵۰ درصد جمعیت دامی از این طریق تغذیه می‌شوند. در صورتی که علوفه تولیدی مراتع رقمی در حدود ۱۰ میلیون تن است. این مقدار علوفه می‌تواند ۱۵ میلیون واحد دامی را تغذیه کند. در این‌گونه مراتع، نسبت دام به مرتع ۴ به ۱ است؛ این امر باعث تخریب این منبع طبیعی شده است و آینده نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد. وظیفه سازمان مراتع برای حفاظت و احیای مراتع فوق‌العاده اساسی و با اهمیت است.

سازمان جنگلها و مراتع برای حفظ، احیا و اصلاح مراتع و نیز گسترش آنها حدود ۱۲ فعالیت را در حیطه کاری خود دارد. جدول شماره (۸) میزان پیش‌بینی برنامه و عملکرد سازمان را در سه سال ۱۳۶۸-۷۰ نشان می‌دهد. این فعالیتها به

گوسفند کشتار شده از ۱۹/۳۲ کیلوگرم در سال ۱۳۶۷ به حدود ۱۹/۲۶ کیلوگرم در سال ۱۳۶۹ رسیده است. اگر سازمان در امر مبارزه با بیماریها موفق بود می‌بایست شاهد افزایش وزن لاشه باشیم؛ لذا عملکرد سازمان در بهبود وضعیت تولید به دلیل صرف اعتبارات در امور جاری کارساز نیست. از سوی دیگر، خدمات این سازمان بیشتر به مجتمعهای دامداری صنعتی اختصاص دارد و واحدهای کوچک روستایی و عشایری را چندان تحت پوشش قرار نمی‌دهد.

۳-۳-۳- سازمان گوشت - فعالیت اساسی این سازمان شامل واردات و توزیع گوشت وارداتی و خرید دام عشایری تحت عنوان طرح هماهنگی خرید دام است. در خصوص واردات همان طور که پیش از این گفتیم، در سالهای برنامه روند نزولی وجود داشته؛ به طوری که از ۱۶۱ هزارتن در سال ۱۳۶۸ به ۷۰ هزارتن در سال ۱۳۷۱ رسیده است؛ در صورتی که هدف برنامه برای تمام سالها حدود ۲۳۰ هزارتن بوده است. در مورد طرح خرید دام عشایری نیز عملکرد سازمان روند نزولی را نشان می‌دهد؛ به طوری که گوشت استحصالی از این طرح، برای سالهای ۱۳۶۸-۶۹ و شش ماهه اول ۱۳۷۰ به ترتیب ۶۵/۷ و ۴۵/۵ و ۲۳/۷ هزارتن بوده است. کاهش واردات و نیز کاهش تولید گوشت در طرح بالا نشانگر عدم هماهنگی میان دو فعالیت سازمان است.

۴- در شماره آئی مجلس و پژوهش عملکرد این سازمان به همراه سازمانهای دیگر مرتبط با منابع طبیعی بطور جامع مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

جدول شماره ۸- چگونگی عملکرد سازمان جنگلها و مراتع کشور در زمینه مرتعداری و تولید علوفه در طول سه سال برنامه اول توسعه

شماره	شرح فعالیت	واحد	سال ۱۳۶۸			سال ۱۳۶۹			سال ۱۳۷۰		
			برنامه	عملکرد	درصد تحقق برنامه	برنامه	عملکرد	درصد تحقق برنامه	برنامه	عملکرد	درصد تحقق برنامه
۱	ممیزی و تنسيق مراتع	هزارهكتار	۵۰۰۰	۴۱۳۳	۸۳	۵۰۰۰	۳۸۷۱	۷۷	۶۰۰۰	۵۱۰۵	۹۵
۲	تهيه طرح‌های مرتعداری	هزارهكتار	۹۷۰	۵۴۶	۵۶	۱۰۰۰	۹۶۷	۹۷	۱۷۰۰	۱۱۷۴	۶۹
۳	برنه کاری	هكتار	۱۷۴۰۰	۱۴۳۰۲	۸۲	۳۰۰۰۰	۱۷۶۲۴	۸۸	۶۰۰۰۰	۲۲۵۱۹	۳۸
۴	کپه کاری و کشت مستقیم	هكتار	۷۲۶۸۰	۶۴۳۶۸	۸۹	۹۰۰۰۰	۸۲۱۸۱	۹۱	۵۰۰۰۰۰	۱۸۲۵۲	۳۷
۵	احداث آبشخور	دستگاه	۴۵۲	۴۴۵	۹۸	۹۰۰	۷۳۰	۸۱	۱۵۰۰۰	۱۴۴۰	۹۶
۶	حفر چاه مالداری	حلقه	۸۵	۱۰۷	۱۲۵	۱۵۰	۱۲۷	۸۵	۳۰۰	۱۸۱	۶۰
۷	نصب نلمبه بادی	دستگاه	-	-	-	۱۰۰	-	-	۲۰۰	۱۲	۶
۸	لی فارسینگ <sup>(۱)</sup>	هكتار	۱۵۸۰۰	۱۲۰۱۵	۷۶	۱۵۰۰۰	۸۲۲۸	۵۵	-	-	-
۹	تولید بذر	تن	۹۶۰	۳۶۸	۳۸	۱۴۸۰	۷۹۰	۵۳	۱۹۹۰	۷۰۱	۳۵
۱۰	تبدیل دیمزارهای کم بازده	هكتار	۱۰۰۰۰۰	۴۷۰۲۸	۴۷	۱۴۸۷۳۵	۶۹۵۰۴	۴۷	۲۰۰۰۰۰۰	۹۵۹۴۴	۴۸
۱۱	کودپاشی مراتع	هكتار	۱۰۰۰۰۰۰	۳۴۳۷۴	۳۶	۱۰۰۰۰۰۰	۷۱۱۲۹	۷۱	۱۲۰۰۰۰۰	۹۲۶۷۲	۷۷
۱۲	ذخیره نژاد آسمانی	هكتار	۱۰۰۰۰۰۰	۳۹۵۵۵	۲۰	۱۰۰۰۰۰۰	۶۵۵۰۴	۶۶	۱۲۰۰۰۰۰	۹۷۱۹۰	۸۱

۱- اجرای پروژه‌های لی فارسینگ از سال ۱۳۷۰ به وزارت کشاورزی معول شده است.

۱۲۵ درصد میزان تحقق برنامه را داشته است. در زمینه بوته کاری طی دو سال برنامه یعنی ۶۹-۱۳۶۸ عملکرد حدود ۸۰ درصد است ولی در سال ۱۳۷۰ بشدت کاهش می یابد و به ۳۸ درصد می رسد. در زمینه تبدیل دیمزارهای کم بازده عملکرد زیر ۵۰ درصد است؛ لذا از مقایسه کلی این عملکردها مشخص می شود که عملکرد در پروژه هایی که اهمیت بیشتری دارند، خوب نیست و در پروژه هایی که اهمیت کمتری دارند، نسبتاً خوب (تحقق برنامه بین ۷۰ تا ۹۰ درصد) بوده است. لذا باتوجه به تعداد زیاد دام و تقاضای زیاد گوشت ضرورت دارد که تاکید بیشتر بر پروژه های با اهمیت تر باشد و تحرک بیشتری در این زمینه ایجاد گردد.

ترتیب اهمیت از نظر تولید علوفه و احیا و اصلاح مراتع عبارتند از:

- ۱- تبدیل دیمزارهای کم بازده و بوته کاری،
- ۲- کپه کاری و کشت مستقیم، ۳- ذخیره نزولات آسمانی و کودپاشی مراتع، ۴- تهیه طرحهای مرتعداری، ۵- ممیزی و تنسيق مراتع، ۶- تامین آب شرب دام.

اثرات پروژه های مختلف سرمایه گذاری بر عملکرد مراتع در جدول شماره (۹) نشان داده شده است.

به طور کلی طی سالهای یاد شده تقریباً در تمام موارد عملکرد سازمان کمتر از پیش بینی برنامه بوده است و تنها در یک مورد، فعالیت سازمان یاد شده در سال ۱۳۶۸ و در زمینه حفر چاه مالداري حدود

(جدول شماره ۹) - اثرات پروژه های مختلف سرمایه گذاری بر عملکرد مراتع

شماره ردیف	نوع فعالیت به ترتیب اهمیت	عملکرد در هر هکتار (کیلوگرم)	بها هر کیلو (ریال)
۱	تبدیل دیمزارهای کم بازده	۱۵۰۰	۱۵۰
۲	بوته کاری	۱۵۰۰	۸۰
۳	کپه کاری و کشت مستقیم	۲۵۰	۸۰
۴	کودپاشی مراتع	۲۰۰	۸۰
۵	ذخیره نزولات آسمانی	۲۰۰	۸۰
۶	تهیه پروژه های مرتعداری	۱۰۰	۸۰
۷	ممیزی و تنسيق مراتع	۵۰	۸۰
۸	تامین آب شرب دام	۲۰	۸۰



## ب - جنگل

تخریب جنگل در دو دهه گذشته شدت زیادی داشت؛ طوری که ۱۸ میلیون هکتار مساحت جنگلی در ابتدای دهه ۵۰ به حدود ۱۲ میلیون هکتار در حال حاضر کاهش یافت. از ۱۲ میلیون هکتار مساحت جنگلی تنها از حدود ۱/۳ میلیون هکتار جنگلهای شمال بهره‌برداری اقتصادی می‌شود و متأسفانه از بیست سال گذشته تاکنون سالانه حدود ۵۰ هزار هکتار آن نابود گردیده است.<sup>۵</sup> جنگل نه تنها از بعد اقتصادی بلکه از نظر تعادل اکولوژیکی فوق‌العاده اهمیت دارد؛ لذا ضرورت ایجاب می‌کند که از این منبع طبیعی تجدید شونده به نحو شایسته‌ای حفاظت گردد.

برای سازمان جنگلها و مراتع طرحهایی در برنامه پیش‌بینی شد که به همراه عملکرد آن در جدول شماره (۱۰) خلاصه شده است. همان طور که مشاهده می‌شود در بیشتر پروژه‌ها میزان تحقق برنامه کمتر از مقدار پیش‌بینی برنامه است. بیشترین میزان تحقق برنامه در زمینه جنگلکاری و احیای جنگلها در سال ۱۳۷۰ است که به ۱۳۸ درصد رسید و سهم دولت در تحقق هدف مذکور در مجموع سه سال برنامه (۷۰-۱۳۶۸) حدود ۵۲ درصد است. کمترین میزان تحقق برنامه نیز در زمینه حفاظت آبخیزها در سال ۱۳۶۸ و حدود ۳۹ درصد است. در مطالعه و شناسایی منابع طبیعی برای سال ۱۳۷۰ عملکرد حدود ۶ درصد برنامه و بسیار ناچیز است. در پروژه‌های حفاظت و حمایت از جنگلها و

مراتع کشور متأسفانه آمار عملکرد در دسترس ما قرار ندارد.

## ۳-۴-۵- نتایج و پیشنهادها در زیربخش دامپروری

از مطالعه و مقایسه در بخشهای مربوط به دامپروری، مراتع و جنگلها نتایجی به دست می‌آید که پیشنهادهای زیر براساس این نتایج ارائه می‌شود:

۱- اهداف کمی برنامه در بخش دامپروری در حد مناسبی تحقق یافته است؛

۲- کاهش واردات گوشت قرمز و ناهماهنگی با رشد تولید داخلی باعث شده است که مصرف سرانه گوشت قرمز در کشور کاهش یابد؛

۳- رشد جمعیت و افزایش تعداد دام نسبت به مرتع خطر تخریب مراتع را زیاد کرده و سازمان جنگلها و مراتع در پروژه‌های مربوط به احیای مراتع، عملکردی در حد برنامه را ارائه نداده است؛ لذا باید با اولویت دادن به پروژه‌های پراهمیت تحرک بیشتری را ایجاد کند؛

۴- سازمان دامپزشکی باید با جدیت بیشتری برای جلوگیری از بیماریهای دامی بکوشد؛

۵- در طرحها و پروژه‌های مراتع و جنگلها مشارکت بخش خصوصی ناچیز بوده است. این امر به ماهیت فعالیتها و سودآوری آنها بستگی دارد. در فعالیتهای زیربنایی که به سرمایه‌گذاری

۵- وزارت کشاورزی، سیمای منابع طبیعی تجدیدشونده، سازمان جنگلها و مراتع کشور.

جدول شماره (۱۰) - عملکرد و مقدار پیش بینی برنامه برای سازمان جنگلها و مراتع در سه سال اول برنامه

درصد سهم	۱۳۷۰			۱۳۶۹			۱۳۶۸			عملکرد	مکان	توضیحات
	درصد	عملکرد	برنامه	درصد	عملکرد	برنامه	درصد	عملکرد	برنامه			
۱۰۰	۷۳/۷	۱۰۱۳۳۱۸	۱۳۹۳۲۵۰	۵۸	۲۶۳۳۶۷	۶۳۳۸۵۰	۷۳/۵	۳۳۷۱۹۱	۳۱۳۳۵۰	۴۳۹۲۲۸	(هکتار)	۱- تثبیت شیبهای روان
۶۲	۷۵/۳	۱۹۵۰۳	۲۵۵۲۲	۷۱	۷۱۹۲	۱۰۰۹۱	۷۷	۵۸۷۹	۷۶۲۰	۶۳۵۰	(هکتار)	۲- مرمتداری و تولید علوفه
۸۱	۶۸	۸۱۲/۸	۱۱۹۶	۱۰۰	۴۶۹	۴۶۱	۳۹	۱۳۷/۸	۳۵۰	=	(مزارهکتار)	۳- حفاظت آبمنیرها
۵۲	۹۹/۹	۱۶۷۹۰۴	۱۶۸۱۰۰	۱۳۸	۹۰۳۳۳	۶۵۲۰۰	۵۲	۲۴۸۰۰	۴۷۳۰۰	۱۹۸۳۴	(هکتار)	۴- جنگلداری و احیای جنگلها
۲۰	۷۱/۷	۵/۷	۷/۹۵	۶۳	۲	۳/۱۵	۷۹	۱/۸	۲/۴	۱/۶	(مینیون سیرمکس)	۵- بهره برداری از جنگلهای شیب
۸۸	۹۹/۹	۳۳۶۶۶۱	۳۳۷۰۰۰	۸۲	۹۰۸۲۴	۱۱۰۵۰۰	۱۱۲	۱۱۶۱۳۷	۱۰۹۵۰۰	۱۷۳۵۹۰	(هکتار)	۶- تهیه طرحهای جامع جنگلداری
۱۰۰	۵۹/۵	۸/۱	۱۳/۶	۶۶	۳/۳	۵	۲۹	۲/۱	۴/۳	۱/۸	(مینیون هکتار)	۷- معرفی راههای و تنگیک مستقیمات
۱۰۰	-	-	۲۸۳۱۳۶	-	-	۴۳۷۱۲	-	-	۴۳۷۱۲	۴۳۷۱۲	(مزارهکتار)	۸- حفاظت و رعایت از جنگلهای مراتع کشور
۱۰۰	-	-	۲۸۳۱۳۶	۶	۹۱۳	۱۳۶۰۰	۵۱	۵۰۳۰	۹۸۰۰	-	(مزارهکتار)	۹- حفاظت و رعایت از جنگلهای مراتع طبیعی

زیاد نیاز است، بخش خصوصی علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری ندارد؛ مانند آبخیزداری اما در فعالیتهای دیگر که انگیزه آنها سودآوری است، باید مقدمات و شرایط لازم را برای ورود این بخش مهیا کرد؛ مانند استفاده از مراتع و جنگلها به صورت واگذاری (اجاره) بلندمدت به بخش خصوصی؛

۶- حمایت از عشایر و دامداران کوچک الزامی است.

#### ۴- زیربخش شیلات

##### ۴-۱- مقدمه:

خودکفایی در مواد غذایی ازجمله مواد پروتئینی از موارد مهم و قابل توجه در برنامه بوده است. دربخش قبلی درمورد گوشت قرمز سخن گفتیم. با توجه به ذخایر عظیم دریایی کشور و آبهای داخلی و همچنین منبع ذخایر ماهیان به عنوان منبع تجدیدشونده، شایسته است برنامه‌ریزیهای جامعی برای بسیج امکانات مناسب و مطلوب در افزایش تولید و صید آبیان صورت گیرد و اجرا شود. دراین برهه از زمان که آهنگ سریع رشد جمعیت، تقاضای فزاینده‌ای را برای مواد گوشتی ایجاد کرده و ازسوی دیگر کشور ما با پدیده تخریب مرتع روبروست، ضرورت اولویت دادن به برنامه‌ریزیهای گسترش صید بیشتر احساس می‌گردد. بویژه مطالعات و تحقیقات، مزیت نسبی گوشت ماهی<sup>۱</sup> را ازجهت مواد غذایی، هزینه‌ای و پتانسیل بالقوه بر گوشت قرمز تایید می‌کنند.

خوشبختانه در برنامه اول، به بخش شیلات بیشتر توجه شد و این بخش به رشد چشمگیری دست یافت. صید درمناطق سه‌گانه آبهای جنوب، آبهای شمال و آبهای داخلی از رشد بسزایی برخوردار بوده است (جدول شماره ۱-۱۰). درمجموع ۱۲۴۶ هزارتن ماهی در چهارسال اول برنامه صید شده است که رقم چشمگیری است. هرچند که بخش شیلات نتوانسته است به مقدار پیش‌بینی شده برنامه یعنی ۱۴۲۱ هزارتن برسد ولی عملکرد ۸۷/۷ درصدی آن امیدبخش است. لازم به یادآوری است که رشد این بخش از لحاظ کمی درصورتی مطلوب است که اهداف کیفی هم تحقق پذیرد. دراین مورد توجه به توسعه ساختاری و همچنین مسأله حفاظت از ذخایر این منبع تجدیدشونده از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در زیر عملکرد شیلات در قسمتهای مختلف را بررسی خواهیم کرد.

##### ۴-۲- عملکرد شیلات درآبهای جنوب

در برنامه پنجساله، میزان صید چهارسال ۷۱-۱۳۶۸ درآبهای جنوب حدود ۱۱۳۲ هزارتن پیش‌بینی شد. برطبق آمارهای به دست آمده، عملکرد شیلات برابر ۹۹۸ هزارتن بوده است. لذا حدود ۸۸/۱ درصد از اهداف تعیین شده تحقق یافته است. آمار تفکیکی درجدول شماره (۱-۱۰) نشان داده شده است.

۶- محمدقلی موسی‌نژاد «تخصیص بهینه منابع جهت خودکفایی در گوشت قرمز»، طرح در دست اجرا.

کمترین عملکرد در صید ماهیان مزوپلاژیک مشاهده می شود.

میزان صید ماهی در آبهای جنوب تا سال ۱۳۶۷ حدود ۱۹۰ هزار تن بود. براساس پیش بینی برنامه پنجساله صید با

فعالیت صید در گونه های مختلف ماهی یکسان نیست. صید ماهیان کفزی و ماهیان غیر معمول خوراکی از میزان پیش بینی برنامه بیشتر بوده است و در سایر ماهیان صید از حد پیش بینی کمتر بوده است.

(جدول شماره ۱-۱۰) - مقدار صید انواع ماهی در برنامه و عملکرد شیلات

هزارتن

در چهار سال ۷۱-۱۳۶۸

درصد تحقق	عملکرد	برنامه		
۰	۰	۱۳	پرورش میگو	۱- دریای جنوب
۱۰۵/۸	۵۰۸	۴۸۰	صید ماهیان کفزی	
۷۴/۳	۱۳۳	۱۷۹	صید ماهیان سطحزی درشت	
۳۵/۲	۶۰	۱۷۰	صید ماهیان سطحزی ریز	
۹۵/۶	۸۸	۹۲	صید در آبهای دوردست	
۱۸	۹	۵۰	صید ماهیان مزوپلاژیک	
۱۳۵	۲۰۰	۱۴۸	صید ماهیان غیر معمول خوراکی	
۸۸/۱	۹۹۸	۱۱۳۲	کل صید جنوب	
۴۹	۴۷/۳۳	۹۶/۶	صید کیلکا	۲- دریای شمال
۸۹	۸/۹۳	۱۰	صید ماهیان خاویاری	
۱۸۲	۶۳/۷	۳۴/۹	صید ماهیان استخوانی	
۸۴/۸	۱۱۹/۹۶	۱۴۱/۵	کل صید شمال	
۶۴	۵۶/۱	۸۷	گرم آبی	۳- آبهای داخلی (*)
۴۷/۸	۱/۵۸	۳/۳	سرد آبی	
۱۲۲/۸	۷۰/۱	۵۷/۰۶	گرم آبی	
۸۱/۶	۰/۴	۰/۴۹	سرد آبی	
۸۶/۷	۱۲۸/۱۸	۱۴۷/۸۵	کل آبهای داخلی	
۸۷/۷	۱۲۴۶/۱۴	۱۴۲۱/۳۵	صید کل کشور	

\* - سه سال ۷۰-۱۳۶۸ در نظر گرفته شده است. مأخذ: محاسبات براساس آمار اداره طرح و برنامه شرکت سهامی شیلات ایران انجام شده است.

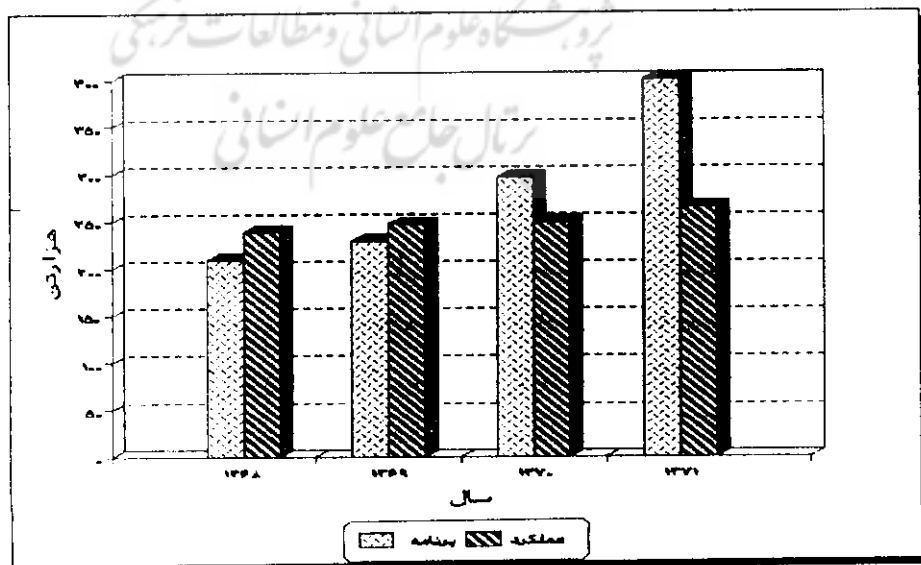
صنعتی به وسیله کشتیهای بزرگ و با روش تراکم که در چندسال اخیر پیش آمده است، سهم بسزایی را در افزایش صید سالهای اول برنامه داشته است. فعالیت‌های این ناوگانها اولاً در سرنوشت صیادان منطقه تاثیر داشت و به نحو محسوسی صید آنها را کاهش داد؛ ثانیاً بر میزان ذخایر بویژه ماهیان سطحزی ریز و درشت تاثیر منفی گذاشت. لذا مشاهده می‌شود علی‌رغم پیش‌بینی برنامه برای گونه‌های سطحزی که جمعاً حدود ۱۳۳ هزارتن برای سال ۱۳۷۱ بوده است، عملکرد فقط ۶۰ هزارتن را ثبت کرده است. به عبارت دیگر، تنها ۴۵ درصد هدف برنامه برای صید این‌گونه ماهیان تامین شده است. نتیجه تحقیقی که از صیادان منطقه استان هرمزگان به عمل آمد، حاکی از کاهش ذخیره ماهیان سطحزی است. صیادان کاهش صید سرانه خود را ناشی از افزایش

متوسط رشد سالانه ۳/۲۰٪ می‌بایست به ۳۹۹ هزارتن درسال ۱۳۷۱ بالغ گردد (نمودار شماره ۴) اما همان‌طور که نمودار نشان می‌دهد رقم صید درسال ۱۳۷۱ حدود ۲۶۴ هزارتن ثبت گردید.<sup>۷</sup>

عملکرد سال ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ به ترتیب ۱۸ و ۷ درصد از برنامه بیشتر بوده است ولی عملکرد صید درسالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ به ترتیب ۱۹ و ۳۴ درصد کمتر از پیش‌بینی برنامه است.

از مقایسه آمارهای بالا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که علی‌رغم تلاش بخش شیلات برای هماهنگی با روند صعودی صید پیش‌بینی شده، برنامه پنجساله نتوانسته است همراهی لازم را داشته باشد. اگر به ساختار بخش شیلات توجه کنیم، می‌بینیم که بدنه آن را صید خرد سنتی تشکیل می‌دهد. ورود ناوگانهای صید

نمودار شماره ۴- صید و پرورش آبزیان در آبهای جنوب در چهارسال اول برنامه



۷- اداره طرح و برنامه، شرکت سهامی شیلات ایران، ۱۳۷۲.

صید کشتیهای صنعتی در محدوده صید این صیادان خرده پا ذکر می‌کنند. آمارهای کلی این تحقیق هم که روند نزولی در دو سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ را نشان می‌دهد، می‌تواند گواهی بر کاهش ذخایر سطحی باشد. همچنین دلیل دیگر کاهش ذخایر ماهیان سطحی، دورتر شدن محدوده صید صیادان از ساحل است.

علت دیگر تحقق نیافتن اهداف کلی برنامه درآبهای جنوب را می‌توان در نبود تکنولوژی صید دانست؛ مثلاً صید درآبهای دوردست یا صید ماهیان پلاژیک به تکنولوژی مناسب نیازمند است. برنامه پنجساله، صید ماهیان از آبهای دوردست را ۹۲ هزارتن و ماهیان پلاژیک را ۵۰ هزارتن در چهارسال اول پیش‌بینی کرد ولی میزان صید در این دو حالت کمتر از پیش‌بینی برنامه بوده و در ماهیان پلاژیک میزان صید چهارسال اول برنامه تنها ۹ هزارتن بوده است که فقط ۱۸ درصد از هدف تعیین شده است.

درضمن، صید ماهیان غیرمعمول خوراکی ۳۵ درصد بیش از پیش‌بینی برنامه و سهم صید این نوع ماهیان ۲۰ درصد کل صید چهارساله جنوب بوده است. دو نکته را می‌توان در این مورد ذکر کرد: اولاً ذخیره این‌گونه ماهیان اجازه صید بیشتر را می‌دهد؛ ثانیاً با توجه به پتانسیل موجود، از این‌گونه ماهیان استفاده مطلوب به عمل نمی‌آید. لذا وجود آنها در تور ماهیگیری صیادان اغلب

به صورت صیدی جانبی تلقی می‌شود و چون مصرف داخلی ندارد اگر دور ریخته نشود، حداکثر به صورت پودر ماهی استفاده می‌شود. همین امر باعث شده است که صید این‌گونه ماهیان سودآور نباشد و صیادان رغبتی به صید آنها نداشته باشند. تنها درصد ناچیزی از این‌گونه ماهیان ممکن است به وسیله شیلات به خارج صادر شود. شایسته است با توجه به تقاضای بازارهای خارجی با عمل‌آوری مناسب این‌گونه ماهیان، صادرات آنها را توسعه دهیم و از این طریق فعالیت صید را سودآورتر سازیم.

### ۳-۴- بررسی عملکرد شیلات درآبهای شمال

عملکرد شیلات درآبهای شمال در جدول شماره (۱-۱۰) منعکس شده است. صید کل چهارسال برنامه ۱۴۱/۵ هزارتن پیش‌بینی شد. عملکرد حدود ۱۱۹/۹۶ هزارتن است که حدود ۸۴/۸ درصد اهداف برنامه است. درمیان سه گروه از ماهیان دریای شمال صید ماهیان کیلکا عملکرد کمتری را نسبت به اهداف برنامه داشته است. ذخیره این‌گونه ماهیان درآبهای شمال زیاد است اما صید آن به دلایل تکنولوژی صید و تقاضای ضعیف در جامعه در مقیاس مطلوب انجام نگرفته است. به هر حال، روند صعودی صید درمدت چهارسال برنامه مشاهده می‌شود.

صید ماهیان خاویاری حدود ۸۹ درصد

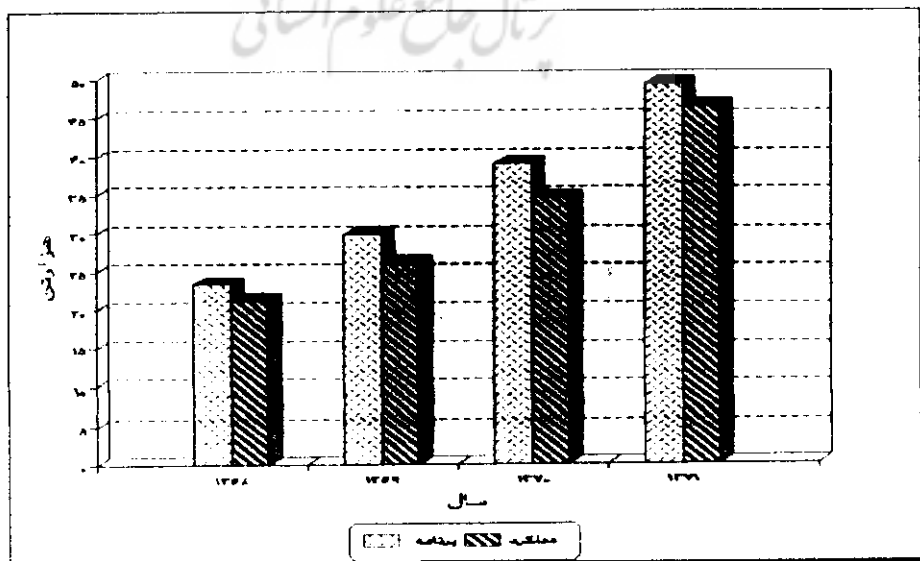
در سالهای اول برنامه عملکرد در حد برنامه نبود ولی روند صعودی صید به برابری آنها در سال ۱۳۷۱ منتهی گردیده است. عمده‌ترین رشد را در صید ماهیانی مثل ماهی سفید می‌توان مشاهده کرد. پرورش بچه ماهی و رهاسازی آنها، قیمت مناسب و تقاضای بیش از عرضه به صید این‌گونه ماهیان رونق داده است؛ تاحدی که دولت برای حفظ ذخایر آن کنترل‌هایی را اعمال می‌کند. باتوجه به پتانسیل موجود از جنبه تقاضا می‌توان رشد و تکثیر ماهیان استخوانی (بویژه ماهی سفید) را توسعه داد و شاید گوشت این‌گونه ماهیان بهترین جانشین برای گوشت قورمز باشد. در مجموع می‌توان با تقویت جنبه تقاضا برای کیلکا و جنبه عرضه برای ماهیان استخوانی، وضعیت صید را در دریای شمال به رونق مطلوب سازند.

نسبت به مقدار تعیین شده برنامه عملکرد داشته است. به عبارت دیگر، ۱۰ هزارتن مقدار برنامه است که عملکرد حدود ۸/۹۳ هزارتن بوده است. باتوجه به بازار خوب خاویار در خارج از کشور به توسعه صید و پرورش این‌گونه ماهیان نیاز است.

صید ماهیان استخوانی از اهداف برنامه جلوتر بوده است و همان‌طور که در جدول شماره (۱-۱۰) مشاهده می‌شود، عملکرد صید این‌گونه ماهیان ۶۳/۷ هزارتن بوده است که برنامه حدود ۳۴/۹ هزارتن آن را پیش‌بینی کرده است. لذا حدود ۸۲ درصد بیش از اهداف برنامه صید شده است. در صید ماهیان استخوانی هم مثل سایر گونه‌های دریای شمال، روند صعودی مقدار صید حفظ شده است.

در نمودار شماره (۵) مقدار صید و میزان تعیین شده برنامه پنجساله برای سالهای مختلف باهم مقایسه شده‌اند. اگرچه

نمودار شماره ۵- صید و پرورش آبزیان در آبهای شمال در چهار سال اول برنامه

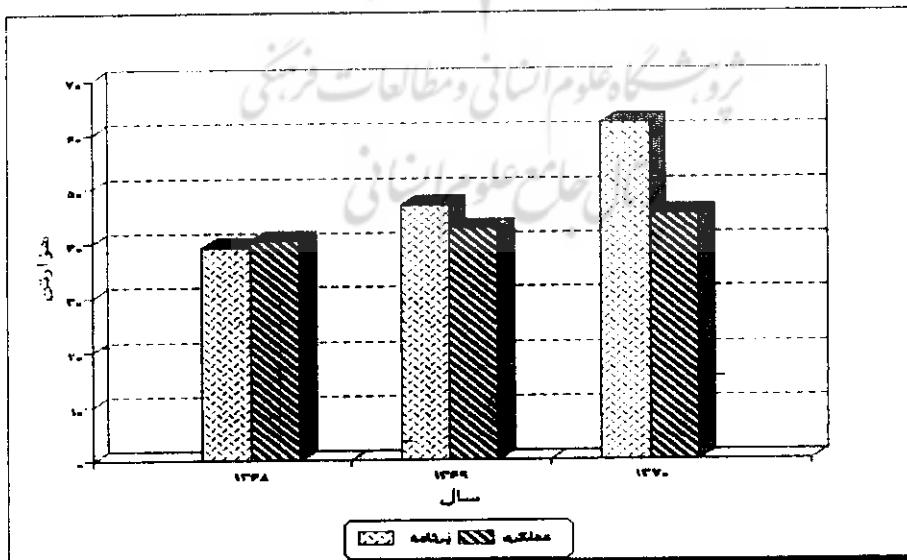




درسالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ حدود ۹۰/۸ درصد و ۷۳ درصد بوده است. به عبارت دیگر، مقایسه عملکرد و مقدار برنامه پنجساله از روندی نزولی تبعیت می‌کند. علت این عقب‌افتادگی را در کمبود سرمایه‌گذاری و کاهش پرورش و رهاسازی بچه ماهیان بویژه بچه‌ماهی قزل‌آلا و کپور ماهیان می‌توان ذکر کرد. با توجه به اینکه این بخش از پتانسیل خوبی برای جلب مشارکت خصوصی برخوردار است، باید تنگناهای مالی و سایر محدودیتها به نحو مقتضی از میان برداشته شود و تشویق و حمایت جهت توسعه صید در این بخش اعمال گردد.

۴-۴- عملکرد شیلات درآبهای داخلی  
درآبهای داخلی اعم از رودخانه‌ها و استخر پرورش ماهی پتانسیل چشمگیری مشاهده می‌شود که بیشتر از پتانسیل آبهای دریای شمال است. در برنامه پنجساله برای این بخش، میزان صید و پرورش حدود ۱۴۷/۸۵ هزارتن درسه سال ۷۰-۱۳۶۸ تعیین شد که عملکرد برابر ۱۲۸/۱۸ هزارتن است؛ یعنی، ۸۶/۷ درصد از اهداف برنامه تحقق یافته است. آمار مربوط به پرورش ماهی در استخر و آبهای طبیعی به تفکیک سالهای مورد مطالعه در نمودار شماره (۶) با یکدیگر مقایسه شده‌اند. تحقق اهداف برنامه در سال ۱۳۶۸ حدود ۱۰۳ درصد و

نمودار شماره ۶- پرورش آبزیان در آبهای داخلی در چهارسال اول برنامه



## ۵- تحقیقات، ترویج و آموزش در بخش کشاورزی

### ۵-۱- مقدمه

سه عامل بالا اساس رشد و توسعه بخش کشاورزی است. کمبود هریک از این سه عامل می‌تواند در روند رشد اثری نامطلوب داشته باشد و حتی آن را مختل کند. تحقیق بدون ترویج یا ترویج بدون تحقیق و هر دو آنها بدون آموزش درحقیقت مفهومی ندارد. در پناه تحقیقات مستمر می‌توان به تکنولوژی مناسب رشد دست یافت. ترویج و آموزش این تکنولوژی در بخش کشاورزی می‌تواند عملکرد محصول را افزایش دهد، حرفه را سودآور نماید و ارزش افزوده بخش را بالا ببرد. درحقیقت، ترویج پل ارتباطی میان مراکز تحقیقاتی و عملیاتی است و آموزش هم آگاهیهای لازم را به بخش عملیاتی می‌دهد تا نتایج تحقیق را از بالقوه به بالفعل درآورد. با توجه به اهمیت این سه عامل، در این قسمت به وضعیت و عملکرد تحقیقات و ترویج در طول سه سال اول برنامه می‌پردازیم. متأسفانه به علت دسترسی نداشتن به آمار و اطلاعات مربوط به آموزش بناچار گفتگو در این باره حذف شده است.

### ۵-۲- بخش تحقیقات در کشاورزی

بخش تحقیقات در کشور ما عمدتاً با سه شکل اساسی روبروست: اولاً سرمایه‌گذاری کافی در بخش تحقیقات کشاورزی انجام نمی‌شود؛ ثانیاً نیروی

### ۴-۵- نتایج و پیشنهادها در بخش شیلات

شیلات در چهار سال ۷۱-۱۳۶۸ با عملکردی برابر ۱۲۴۶ هزار تن ماهی توانست حدود ۸۷/۷ درصد از اهداف تعیین شده در برنامه پنج‌ساله اول را در طول مدت مزبور تحقق بخشد. در بررسی عملکرد شیلات در بخشهای مختلف به بعضی از نواقص و تنگناها اشاره کردیم. برای بهبود وضعیت این بخش پیشنهاداتی را به شرح زیر ارائه می‌دهیم.

۱- برنامه‌ریزی صید ماهی با اطلاع دقیق از ذخایر برای حفاظت از این منبع تجدیدشونده انجام گیرد

۲- از صیادان و کاهش مشقات این فعالیت با مدرنیزه کردن صید و آموزش صیادان حمایت شود

۳- ممنوع کردن صید کشتیهای بزرگ در آبهای نزدیک ساحل دریای جنوب جهت دوام و بقای صید خود

۴- ساخت و تکمیل اسکله‌ها

۵- نظام‌دهی به سیستم بازار فعلی و تشویق به تشکیل تعاونیهای مردمی صید و بازاریابی

۶- ارائه خدمات اعتباری به حد کافی و باسانی و کاهش بوروکراسی در آن

۷- توسعه صنایع تبدیلی و عمل‌آوری و ایجاد انگیزه برای مشارکت بخش خصوصی در این زمینه و حمایت از آنها

۸- گسترش صادرات ماهی بویژه ماهیان غیر معمول خوراکی جنوب و خاویار شمال

موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی با داشتن تعداد ۱۰ بخش تحقیقاتی در مرکز و حدود ۲۶ بخش تحقیقاتی در مراکز استانها عهده‌دار وظایف تحقیقات آفات و بیماریها و علفهای هرز و تحقیقات پایه درمورد فون و فلور بوده و در این راستا در سال ۱۳۶۷ تعداد ۱۸۰ طرح در دست اجرا داشته که در سال ۱۳۷۰ به ۲۷۸ طرح و در سال ۱۳۷۱ به ۳۳۰ طرح افزایش یافته است. عملکرد این بخش در طول سالهای برنامه به ترتیب ۲۱، ۳۴، ۵۳ و ۸۳ درصد نسبت به سال پایه افزایش داشته و در بیشتر زمینه‌ها از برنامه جلوتر بوده است (جدول شماره ۱۱). در این بخش، جذب اعتبارات عمرانی - ریالی و عمرانی - ارزی به ترتیب ۹۱ و ۷۴ درصد بوده است.

متخصص و پژوهشگر بخش کشاورزی اندک است و ثالثاً ساختار نامتناسب نظام تحقیقاتی به صورت عدم انطباق زمینه‌های تحقیقاتی، نیازها، و فعالیتهای ترویجی مشاهده می‌شود. با توجه به این مسائل، علی‌رغم تلاشهای موجود در بخش تحقیقات نتایج مطلوب حاصل نشده است. در سیاستها و استراتژیهای برنامه اول تا حدودی به این مشکلات پرداخته شده و می‌توان در پایان برنامه نتایج به دست آمده را مورد ارزیابی قرار داد. برای مقایسه عملکرد و اهداف برنامه در بخش تحقیقات، مؤسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی، مؤسسه تحقیقات خاک و آب و مهندسی زراعت مورد مطالعه قرار گرفتند.

(جدول شماره ۱۱) - طرحهای تحقیقاتی موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی

واحد: طرح

سال	آفات		بیماریها		علفها		تحقیقات پایه		جمع	
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد
۶۸	۶۷	۸۴	۷۵	۹۱	۲۸	۳۷	۶	۳۰	۱۷۶	۲۴۲
۶۹	۷۲	۹۴	۸۸	۱۰۵	۳۴	۳۷	۱۷	۳۸	۲۱۱	۲۷۴
۷۰	۸۵	۹۳	۱۰۱	۱۰۵	۳۹	۳۵	۲۵	۴۵	۲۵۰	۲۷۸
۷۱	۹۴	۱۱۳	۱۱۴	۱۲۸	۴۰	۴۱	۲۹	۴۸	۲۷۷	۳۳۰
جمع	۳۱۸	۳۸۴	۳۷۸	۴۲۹	۱۴۱	۱۵۰	۷۷	۱۶۱	۹۱۴	۱۱۲۴

موسسه تحقیقات خاک و آب در سالهای ۷۰-۱۳۶۸ موظف به اجرای ۸۹۳ طرح مصوب در زمینه‌های مختلف بود که عملکرد کلی آن ۷۹۲ طرح است؛ یعنی ۸۸/۶ درصد از هدفهای برنامه تحقق یافته است. (جدول شماره ۱۲). این موسسه تنها در آبیاری توانست عملکردی مطابق اهداف داشته باشد و در سایر زمینه‌ها عملکرد کمتر بوده است. در مورد حفاظت خاک علی‌رغم وجود فرسایش شدید خاک و اهمیت فوق‌العاده زیاد آن، این بخش عملکردی بسیار ضعیف داشته و تنها ۲۸ درصد از اهداف برنامه را تامین کرده است. جذب اعتبارات عمرانی - ارزی این موسسه در سالهای ۷۰-۱۳۶۸ به ترتیب ۵۴ درصد، ۲۶ درصد، و ۱۹ درصد بوده است که در کل سه سال درصد جذب ۳۶ درصد می‌باشد.

درصد جذب اعتبارات جاری - ریالی تقریباً مطابق برنامه بود ولی درصد جذب اعتبارات عمرانی - ریالی ۷ درصد کمتر از پیش‌بینی برنامه بوده است. با توجه به وجود امکانات مالی و همچنین ضرورت انجام تحقیقات این بخش در زمینه‌های تغذیه گیاهی، اصلاح ارضی، و حفاظت (فرسایش) خاک به عنوان پیش‌نیاز برنامه‌های رشد تولیدات کشاورزی، فعالیتها بیش از پیش باید توسعه یابد.

موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر در طول سالهای ۷۰-۱۳۶۸ در مجموع ۲۶۲۳ طرح مصوب داشت که عملکرد آن ۲۴۸۰ طرح بوده و ۹۴/۵ درصد از اهداف تعیین شده را عمل نموده است. همان‌طور که جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد، شش طرح، عملکردی مطابق یا بیش از اهداف

(جدول شماره ۱۲) - طرحهای تحقیقاتی اجرا شده در موسسه تحقیقات خاک و آب

در سالهای ۷۰-۱۳۶۸ و مطالعات فرعی واحد: طرح

سال	تغذیه گیاهی		اصلاح اراضی		آبیاری		حفاظت خاک**		جمع
	مصوب عملکرد	۱۳۸	۲۵	۲۶	۷۲	۸۰	۱۰	۴	
۱۳۶۸	۱۶۱	۱۳۸	۲۵	۲۶	۷۲	۸۰	۱۰	۴	۲۶۸
۱۳۶۹	۱۷۴	۱۵۵	۲۶	۲۲	۸۳	۹۲	۱۲	۳	۲۷۲
۱۳۷۰	۱۹۴	۱۷۰	۲۷	۲۰	۹۶	۷۹	۱۳	۳	۲۷۲
جمع	۵۲۹	۴۶۳	۷۸	۶۸	۲۵۱	۲۵۱	۳۵	۱۰	۸۹۳

\* - غلات دیم از برنامه حذف شده است.

\*\* - فعالیتهای ذکر شده در این قسمت، کسر کوچکی از کل فعالیتهای بخش حفاظت خاک و آب بوده و تنها مربوط به مطالعات فرسایش خاک است. بقیه فعالیتهای این بخش در ستونهای مربوط به تغذیه گیاهی و آبیاری ادغام شده است (مصوب و عملکرد)

جدول شماره ۱۳ - طرحهای تحقیقاتی مصوب و عملکرد موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر در سالهای ۷۰-۱۳۶۸ واحد: طرح

طول دوره ۳ ساله (۶۸-۷۰)	۷۰		۶۹		۶۸		سال		محصول
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	
۱۱۰/۶	۵۳۲	۴۸۱	۱۸۴	۱۶۲	۱۸۴	۱۶۳	۱۶۴	۱۵۶	گندم آبی و جو
۱۰۰	۱۷۳	۱۷۲	۷۱	۶۵	۶۵	۵۷	۳۷	۵۰	گندم دیم و جو
۶۶/۶	۱۷۲	۲۵۸	۶۵	۹۲	۵۹	۹۰	۴۸	۷۶	برنج
۱۰۹/۶	۹۱	۸۳	۳۷	۳۱	۳۲	۲۷	۲۲	۲۵	ذرت
۸۹/۶	۱۲۱	۱۳۵	۵۷	۴۷	۳۷	۴۵	۲۷	۴۳	پنبه
۸۴/۸	۲۰۸	۲۴۵	۷۵	۹۵	۷۵	۸۰	۵۸	۷۰	علوفه
۱۱۰/۵	۲۷۳	۲۴۷	۱۱۵	۱۱۵	۸۷	۸۰	۷۱	۵۲	سبزی و صیفی و سیب زمینی
۷۳	۲۲۰	۳۰۰	۸۵	۱۱۵	۶۶	۹۵	۶۹	۹۰	حبوبات
۱۰۵	۳۱۷	۳۰۱	۱۵۹	۱۱۰	۸۳	۱۰۰	۷۵	۹۱	دانه‌های روغنی
۹۴/۷	۵۴	۵۷	۲۳	۲۲	۲۰	۱۹	۱۱	۱۶	فیزیولوژی
۱۲۸/۵	۶۳	۴۹	۲۷	۲۲	۲۲	۱۵	۱۴	۱۲	ذخایر توارثی
۸۶/۷	۲۵۶	۲۹۵	۹۶	۱۴۲	۹۴	۸۸	۶۶	۶۵	باغبانی
۹۴/۵	۲۴۸۰	۲۶۲۳							جمع

جدول شماره ۱۴ - طرحهای تحقیقاتی مهندسی زراعی

در سالهای ۱۳۶۹-۱۳۷۰

جمع	تحقیقات مهندسی تبدیل و نگهداری		تحقیقات مهندسی آبیاری		تحقیقات ماشینها و ادوات کشاورزی		سال
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	
۵	۱۱	۲	۲	۱	۳	۲	۶
۱۱	۳۱	۳	۴	۵	۷	۳	۲۰
۱۶	۴۲	۵	۶	۶	۱۰	۵	۲۶

برنامه و شش طرح دیگر، عملکردی کمتر از هدفهای برنامه داشتند. ضعیفترین عملکرد مربوط به تحقیقات برنج است که طی آن ۶۶/۶ درصد از هدفهای تعیین شده تحقق یافت.

موسسه تحقیقات مهندسی زراعی پس از انجام مطالعات اساسی و بررسی و تجدیدنظر در تشکیلات و وظایف و نیازهای بخش کشاورزی و تعیین حدود فعالیت تحقیقاتی از سال ۱۳۶۹ فعالیتهای تحقیقاتی را آغاز کرد. این موسسه در مدت دو سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ توانست ۱۶ طرح از ۴۲ طرح مصوب (۳۸٪) را انجام دهد (جدول شماره ۱۴). در بخش تحقیقات ماشینها و ادوات کشاورزی ضعیفترین عملکرد (۱۹٪) را داشته است. باتوجه به اهداف مدرنیزه کردن کشاورزی و همچنین ضرورت انتخاب تکنولوژی مناسب، تحرک بیشتر این بخش بشدت مورد نیاز است.

### ۳-۵- بخش ترویج کشاورزی

وظیفه بخش ترویج همانطور که در اهداف کیفی آن مشخص شد، عبارت از بهبود بخشیدن و بالا بردن سطح آگاهی و بینش و مهارتهای فنی و حرفه‌ای اجتماعی و زیست محیطی دست‌اندرکاران بخش کشاورزی است. این بخش با مزرعه و بخش تحقیقات ارتباط دوجانبه دارد. برای بررسی عملکرد بخش ترویج، اهداف کمی این بخش را در حدی که آمار و اطلاعات کسب شده اجازه می‌دهد، خلاصه کرده و

در جدول شماره (۱۵) نشان داده‌ایم. نتایج حاصل از این جدول نشان می‌دهند که عملکردها در احداث مزارع نمونه، آموزش کادرفنی و تهیه فیلم مطابق برنامه یا بیش از آن بوده است اما در سایر امور، عملکرد کمی از برنامه کمتر است. درحقیقت، موفقیت برنامه‌های این بخش به علت ضرورت و پتانسیل خوب آن است و به عبارت دیگر، مقدار نیاز خیلی بیشتر از مقدار تعیین شده برنامه است. برای گسترش مناسب این بخش به سرمایه‌گذاری بیشتر نیاز است. مطالعه و بررسی در روند سرمایه‌گذاری در این بخش در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که جذب هزینه‌های عمرانی حدود ۷۵ درصد و جذب هزینه‌های جاری حدود ۹۰ درصد است. روند بالا کماکان در برنامه مشاهده می‌شود. لذا این بافت سرمایه‌گذاری که گویای عدم کفایت سرمایه‌گذاری بنیادی و زیربنایی در جهت فعالیتهای ترویجی طبق یک استراتژی واقع‌بینانه است، باید هرچه سریعتر متحول شود. در این زمینه، اولویتهای مهم سرمایه‌گذاری در تربیت پرسنل و متخصصان امور ترویج، وسایل و تجهیزات و امکانات این بخش است.

همانطور که قبلاً گفتیم، ارتباط بخش تحقیقات و مزرعه به وسیله مروجان انجام می‌گیرد. در کشور ما ارتباط میان بخش تحقیقات و مزرعه ضعیف است. یکی از علت‌های عمده این امر تعداد اندک مروج است. در سال اول برنامه، مروجان و تکنسینهای درگیر امر ترویج در صحنه‌های

جدول شماره (۱۵) - رؤس بر نامه‌ها، عملکرد و درصد پیشرفت فعالیتها در سال ۱۳۶۸-۷۰

		حجم فعالیتها						واحد	شرح عملیات
		۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۸	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۶۸		
درصد	۱۳۶۰	مصرف	درصد	مصرف	درصد	مصرف	درصد	مصرف	
پیشرفت	پیشرفت	پیشرفت	پیشرفت	پیشرفت	پیشرفت	پیشرفت	پیشرفت	پیشرفت	
۱۰۰	۱۵۳۹۱۰۰۰	۱۶۳۷۸۱۷	۱۰۰	۹۳۹۲۲۳	۹۳۹۲۲۳	۱۰۰	۸۵۶۱۰	۸۵۶۱۰	آموزش تولیدکنندگان رزاعی و باغبانی
۱۵۶	۸۴۰۲	۵۱۶۱	۱۰۰	۵۶۳۵	۵۶۳۵	۹۹	۸۴۱	۸۴۹	احداث مزارع و باغهای آموزشی نمونه
۲۲۲	۲۱۲۰	۹۶۰	۸۰	۵۶۰	۷۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۵۰۰	تهیه و تولید فیلمهای آموزشی
۱۰۶	۳۳۹۳۹۴	۳۳۰۰۰۰	۷۲/۵۲	۱۶۹۷۲۰	۲۳۲۰۰۰	۱۰۰	۱۵۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	تهیه و تدوین و چاپ انتشار نشریات ترویجی و پوستر
۱۳۲	۱۰۹۸	۸۳۰	۱۰۰	۸۱۰	۸۱۰	۱۰۰	۵۳۲	۵۳۲	آموزش کادر فنی
۳۳	۱۱۵	۳۵۰	۵۳/۵	۱۳۴	۲۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	اجرای طرحهای مشترک تحقیق ترویجی
۱۰۰	۱۳۷۵	۱۳۷۵	۱۰۰	۷۵۰	۷۵۰	۱۰۰	۵۵۸	۵۵۸	ایجاد مزارع مکانیزه و یکپارچه آموزش برای اعضای تازنیهای مشاع
۵۶	۲۵۵	۴۵۷	۱۰۲	۴۷۷	۴۶۵	۱۰۰	۲۸۵	۲۸۵	به کارگیری پرسنل ترویج
۱۷	۷۱	۴۱۰	۳۹/۷۵	۱۵۹	۴۰۰	-	-	-	خرید وسایل نقلیه



دریافتیم که هدفهای تعیین شده برنامه اول در زمینه حفاظت آب و خاک با عملکرد خوبی انجام نشده‌اند. لذا شایسته است عوامل محدودکننده تحقیقات مربوط شناسایی شوند تا ضمن رفع آنها، تحقیقات در این زمینه به نحوی مطلوب گسترش یابد.

۲- برای رشد بخش کشاورزی به تکنولوژی مناسب (مکانیکی، بیولوژیکی، و شیمیایی) نیازمندیم. موسسات تحقیقاتی مربوط (خصوصاً موسسه تحقیقاتی مهندسی زراعی که از عملکرد ضعیفتر برخوردار بود) می‌توانند با انجام تحقیقات مرتبط، تکنولوژیهای مناسب و عملی ارائه دهند. ضعفهای مشاهده شده در عملکرد مؤسسات تحقیقاتی در بعضی از زمینه‌ها (مثلاً تحقیقات برنج در مؤسسه اصلاح و تهیه بذر و نهال) باید رفع گردند تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

۳- برای سودآور شدن بخش کشاورزی و رشد تولیدات آن تهیه الگوی کشت بهینه مناطق به عنوان یک آلترناتیو به وسیله برنامه پیشنهاد شده است. بخش تحقیقات و مؤسسه مربوطه با بررسی وضعیت آب و خاک و شرایط اقلیمی باید به این هدف پاسخ لازم را بدهد.

۴- با توجه به امکانات محدود در امر تحقیق، هرگونه ناهماهنگی و دوباره کاری از کارایی بخش تحقیقات می‌کاهد؛ لذا لازم است مرکزی واحد و هماهنگ‌کننده وجود داشته باشد تا اولاً از اتلاف منابع تحقیقاتی در اثر دوباره کاریها و ناهماهنگیها جلوگیری کند؛ ثانیاً تحقیقات را با جهت‌دهی لازم در

روستا حدود ۹۶۱ نفر بودند. به عبارت دیگر، در این سال، برای هر ۲۹۳۴ نفر یا هر ۱۷۸۴۶ هکتار یک مروج در ارتباط مستقیم بود؛ در حالی که به طور معمول برای هر ۳۰۰ نفر یک مروج نیاز است. لذا وضعیت موجود تناسبی با نیازها ندارد و تعداد مروج در سال مربوط مطابق ۱۰ درصد نیازها بود. در زمینه وسایل و تجهیزات هم نسبت معقولی میان نیازها و امکانات موجود نیست. مطابق پیش‌بینی برنامه اول، در سال ۱۳۷۲ تعداد پرسنل ترویجی حدود ۲ برابر تعداد پرسنل موجود در ابتدای برنامه خواهد شد. اگر اهداف برنامه صد درصد تحقق یابد و همچنین با توجه به فرض ثابت ماندن تعداد بهره‌بردار مشاهده می‌شود که هنوز با وضعیت معقول فاصله زیادی داریم. البته باید اذعان داشت که تاکید برنامه اول بر افزایش تعداد پرسنل و نتایج حاصله نقطه عطفی در تاریخ ترویج کشور است. باید این وضعیت در برنامه دوم ادامه یابد تا به وضعیت مطلوب نزدیکتر شود.

#### ۴-۵- پیشنهادها در زیربخش تحقیق و ترویج کشاورزی

۱- آب و خاک از جمله منابع احیاشونده طبیعی و جزء منابع مهم کشاورزی است اما همان‌طور که در بحثهای قبلی نیز گفتیم، این دو منبع با تخریب روبرو هستند. بخش تحقیقات کشاورزی می‌تواند با شناسایی عوامل تخریب و دادن راه‌حلهای عملی به حفاظت از این منابع کمک کند. از آمار و ارقام ارائه شده به وسیله این بخش،

ضعیف است. ابتدا بر این عامل بازدارنده باید فائق آمد تا بستر لازم برای اقدامات بعدی آماده شود.

#### ۶- عملکرد شرکتهای کشاورزی

۱-۶- مقدمه

استراتژی بلندمدت بخش کشاورزی در برنامه اول توسعه عبارت از «تبدیل کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و سودآور است تا امکان بهره برداری بهینه از عوامل تولید در بخش کشاورزی فراهم گردد»<sup>۸</sup>. بدیهی است نیاز به ابزارهایی برای رسیدن به این استراتژی کلی اجتناب ناپذیر می باشد. یکی از این ابزارها که اهمیت ویژه ای نیز دارد، شرکتهای کشاورزی است. شرکتها با توجه به مقیاس بزرگ فعالیت می توانند از صرفه های اقتصادی مقیاس بهره مند شوند. تاسیس شرکتهای کشاورزی در کشور ما سابقه ای دیرینه دارد. شرکتهای مختلف کشت و صنعت، شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی، شرکتهای توزیع و پخش نهاده ها، ... بعد از اصلاحات ارضی و به منظور مدرن کردن کشاورزی تاسیس شده اند اما ضعفهای اجرایی و وجود نواقص در شیوه اداره شرکتها باعث ورشکستگی و عدم موفقیت اغلب قریب به اتفاق این شرکتها گردیده است. در حال حاضر، تعدادی شرکت فعال در کشور وجود

راستای اهداف و نیازها قرار دهد.  
۵- در بخش تحقیقات نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص بخش کشاورزی کم است. برای تأمین انتظارات و نیازها لازم است این نسبت تا حد استاندارد بین المللی افزایش پیدا کند.

۶- ارتباط بخش تحقیقات و مزرعه رضایت بخش نیست. کشاورز معمولاً اطلاعی از تحقیقات و پیشرفتهای آن ندارد و بخش تحقیقات هم اغلب از نیازهای کشاورز بی اطلاع است. لازم است این ارتباط از طریق ترویج کاملاً نزدیک و مستحکم شود.

۷- تنگناهای عمده بخش ترویج کمبود پرسنل متخصص و همچنین کمبود امکانات و تسهیلات و انگیزه نداشتن مروجان برای اقامت در محل کارشان یعنی روستاست. برای گسترش بخش ترویج و افزایش کارایی بخش باید این تنگناها از میان برداشته شود.

۸- بالاخره اگر تحقیقات و ترویج شرطهای لازم برای رشد تولیدات بخش کشاورزی فرض شوند، آموزش کشاورزی در حکم شرط کافی است و پیش نیاز آن هم سواد خواندن و نوشتن است. به طور یقین، از جامعه ای که الفبای آموزش را نداند، نباید انتظار پیشرفت و تغییر و تحول را داشت. متأسفانه قشر عظیمی از شاغلان بخش کشاورزی کشور ما را بیسوادان تشکیل می دهند. بعلاوه، آموزش ضمن کار نیز

کتابخانه و مرکز

۸- پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، صفحه ۴-۱۳.

حالت، با مقایسه عملکرد واردات با پیش‌بینی آن می‌بینیم که واردات در دو سال ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ برای تمام سموم روند افزایشی دارد ولی در سال ۱۳۷۰ تنها واردات علف‌کش روند صعودی را نسبت به سال ۱۳۶۹ حفظ کرد و واردات سایر سموم کاهش چشمگیری داشت. احتمالاً تغییر در نرخ ارز سال ۱۳۷۰ در تغییر واردات این سموم موثر بوده است.

۳-۶- بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی  
در تحلیل و بررسی اقتصادی عملکرد بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی، که در واقع بخش مهمی از فعالیتهای مربوط به مکانیزاسیون در بخش کشاورزی را عهده‌دار است، باید گفت، تجدید بنای ساختار روستایی برای تامین اهداف توسعه ملی، باید براساس مکانیزاسیون متناسب با شرایط صورت گیرد؛ به عبارت دیگر، اولین قدم در فرموله کردن استراتژی مکانیزاسیون به مفهوم وسیع کلمه این است که تصمیم گرفته شود چه سطحی از مکانیزاسیون در موقعیتهای مختلف مناسب است. این تصمیمات باید مبتنی بر ساختار روستایی و زراعی و شرایط خاص هر منطقه باشد. بنابراین مکانیزاسیون با مواردی چون شرایط محیطی (منابع آب زیرزمینی یا سطحی، کشت دیمی یا آبی، تک محصولی یا چند محصولی بودن، زراعت کارگر طلب یا سرمایه طلب و...)، نظام زمینداری (اندازه مزارع، نوع مالکیت...)، شیوه تولید زراعی (نظام،

دارند که تحقیق و بررسی در مورد همه آنها خارج از حوصله این تحقیق خارج است و متأسفانه آمار و اطلاعات دقیقی هم درباره آنها وجود ندارد. لذا عملکرد بعضی از این‌گونه شرکتها را در زیر بررسی می‌کنیم.

## ۲-۶- بنگاه پخش کود و سم

توزیع و پخش انواع کود شیمیایی در سه سال اول برنامه در مقایسه با اهداف برنامه در جدول شماره (۱۶) نشان داده شده است. همان‌گونه که از جدول (۱۶) برمی‌آید در تمامی انواع کود (بجز کود اوره در سال ۱۳۶۸) در سالهای موردنظر پیش‌بینی برنامه از توزیع کود از جمع عملکرد تولید و واردات فاصله بسیار زیادی داشته است. دلیل این موضوع را می‌توان در اهداف برنامه جست. براساس پیش‌بینی برنامه قرار بود در دوران برنامه پنجساله تمامی انواع کود شیمیایی، بجز فسفات آمونیوم، در داخل کشور تولید شود و واردات آنها به صفر کاهش یابد. همان‌طور که از جدول شماره (۱۶) می‌توان دریافت، روند نزولی واردات در بیشتر موارد رعایت شده اما افزایش تولیدات داخلی در حد انتظار برنامه نبوده است؛ لذا عملکرد از پیش‌بینی به مقدار چشمگیری فاصله گرفته است.

عملکرد بنگاه در توزیع انواع سموم در جدول شماره (۱۷) با پیش‌بینی برنامه در سالهای مختلف مقایسه شده است. عملکرد بنگاه در مورد بیشتر سموم کمتر از پیش‌بینی برنامه بوده است و در بعضی موارد اختلاف فاحشی وجود دارد. در این

جدول شماره (۱۶) - تولید، واردات و توزیع انواع مختلف کورد شیمیایی و مقایسه آن با برنامه

واحد: هزار تن

رشد (۱) نسبت به (۲) (درصد)	پیش بینی برنامه (۲)	نسقات آمونیم			رشد (۱) نسبت به (۲) (درصد)	پیش بینی برنامه (۲)	انواع			نوع کورد سال عملکرد	
		توزیع	جمع تولید وزارتات (۱)	تولید			توزیع و واردات (۱)	واردات	تولید		
-۲۴/۵	۱۳۰۹	۷۲۴/۱	۷۲۶	۶۵۸/۶	۶۷/۴	۷۶۰	۷۸۰/۹	۷۶۱/۳	۳۶۱/۴	۳۹۹/۸	۱۳۶۸
-۳۴/۳	۱۳۳۱	۸۳۳/۷	۸۷۳/۷	۷۴۵/۴	۱۲۸/۳	۸۱۸	۴۹۳/۷	۴۶۳/۷	۰	۴۶۳/۷	۱۳۶۹
-۲۴/۹	۱۳۶۶	۱۰۶۱/۹	۱۰۲۶/۲	۶۷۶/۸	۳۳۹/۴	۹۲۷	۹۱۹/۵	۹۱۹/۴	۲۰۵/۹	۷۱۳/۵	۱۳۷۰
سوقیات آمونیم											
-۴۷/۱	۶۶	۳۳/۳	۳۴/۹	۲۶/۱	۸/۸	۲۲۰	۱۰۳/۱	۱۰۳	۰	۱۰۳	۱۳۶۸
-۸۰/۵	۷۷	۱۴	۱۵	۴/۸	۱۰/۳	۳۲۰	۸۴/۶	۸۶/۹	۰	۸۶/۹	۱۳۶۹
-۸۶/۷	۸۸	۱۱/۹	۱۱/۷	۰	۱۱/۷	۲۲۰	۱۱۹/۲	۱۱۸/۹	۰	۱۱۸/۹	۱۳۷۰
سوقیات آمونیم											
-	۸	۰	۰	۰	۰	۱۲۶	۰/۳۲۵	۰	۰	۰	۱۳۶۸
-	۸/۵	۰	۰	۰	۰	۱۲۹	۳۰/۰۱	۳۳/۲	۳۳/۲	۰	۱۳۶۹
-۸۷	۹	۱/۱۷	۱/۱۷	۱/۱۷	۰	۱۳۰	۰/۲۲۳	۰	۰	۰	۱۳۷۰
سوقیات پتاسیم											

جدول شماره (۱۷) - تولید، واردات و توزیع انواع سموم و مقایسه با برنامه

واحد: تن

فارج کش				حشره کش و کک کش				نوع سم	سال عملکرد	
رشد (۱) نسبت به (۲) درصد	پیش بینی برنامه از واردات (۲)	توزیع	واردات (۱)	تولید	رشد (۱) نسبت به (۲) درصد	پیش بینی برنامه از واردات (۲)	توزیع			واردات (۱)
-۴۱/۳	۵۰۰۰	۲۸۵۵	۲۹۳۶	۰	-۴۴/۷	۱۶۰۰۰	۲۳۵۱۶	۸۸۲۶	۲۲۴۲۸	۱۳۶۸
-۱۷/۲	۶۰۰۰	۵۰۰۹	۴۹۶۹	۰	-۲/۷	۱۷۰۰۰	۴۱۶۲۵	۱۶۵۴۴	۲۵۹۱۸	۱۳۶۹
-۶۹/۷	۶۰۰۰	۳۱۵۷	۱۸۱۷	۰	-۱۸/۵	۱۷۰۰۰	۳۸۷۴۳	۱۳۸۴۷	۲۷۰۱۷	۱۳۷۰
علف کش										
موش کش										
۵	۶۰۰	۵۱۱	۶۳۰	۱۷	-۲۵/۴	۶۰۰۰	۳۴۸۵	۴۴۷۵	۰	۱۳۶۸
۲۸/۴	۷۰۰	۴۲۷	۸۹۹	۰	+۳/۴	۷۰۰۰	۶۸۵۳	۷۳۳۸	۰	۱۳۶۹
-۷۳/۸	۷۰۰	۹۳	۱۸۳	۰	+۲۵/۵	۷۰۰۰	۸۰۴۱	۸۷۹۰	۷۸۰	۱۳۷۰

ایران به دلیل وجود آب و هوای متفاوت بویژه در مناطق گرم و مرطوب کارایی و راندمان نیروی انسانی و دامی، از حد استاندارد پایین تر است و استفاده از ماشینهای کشاورزی به عللی نظیر پراکنده بودن قطعات زراعی، دور بودن مزارع از محل سکونت کشاورزان و استقرار ماشین آلات، جاده های ناهموار، کمبود وسایل یدکی، نبود آموزش کاربردی و نگهداری و ... عواملی هستند که نیروی مؤثر در کشاورزی را کاهش می دهند.

برای دستیابی به مکانیزاسیون مناسب کشاورزی ایران، کمبودها و نارساییهایی وجود دارد که برای رفع آنها نیاز به زمان و تصمیمات قاطع هست؛ از جمله می توان به مواردی چون تعدد مراجع تصمیم گیری در امور مربوط به مکانیزاسیون کشاورزی، نبود مقررات و ضوابط صحیح برای تولید، توزیع متناسب و خدمات بعد از فروش، نبود یا کمبود فعالیتهای تحقیقاتی، آموزشی و ترویجی در امور مربوط به مکانیزاسیون کشاورزی، تزلزل و عدم اطمینان سرمایه گذاری در کشاورزی به دلیل اعمال سیاستهای گوناگون توسط مراجع غیرمسئول و ... اشاره کرد.

#### ۴-۶- شرکت های سهامی زراعی

شرکت های سهامی زراعی به منظور فراهم کردن موجبات افزایش درآمد سرانه

فامیلی کار... نظام بهره برداری زراعی (دولتی، خصوصی، تعاونی) ارتباط تنگاتنگی پیدا می کند. در نتیجه، پیش بینی های برنامه باید براساس موارد یاد شده استوار باشد تا تناسبی میان تکنولوژی نیروی مکانیکی به کار رفته با شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی هر منطقه یا ساختار کشاورزی ایران (با ۵۳٪ اسب بخار در هکتار راندمان محصول)، وجود داشته باشد. چرا که کشاورزی ایران این میزان نیرو را که قاعدتاً باید در حدود ۲/۵ تن در هکتار باشد، دارا نیست و این پرسشی است که همیشه به اذهان خطور می کند که چرا با دارا بودن این میزان نیروی مکانیکی، دامی و انسانی در کشاورزی ایران، عملکرد محصول متناسب با این نیرو به دست نمی آید؟

(جدول شماره ۱۸) - توزیع برخی از

انواع ماشین آلات کشاورزی

طی سالهای ۷۰-۱۳۶۸

واحد: دستگاه

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
تراکتور	۶۲۹۰	۷۴۹۹	۷۷۵۲
کمباین	۳۴۷	۴۸۷	۳۰۹
تیلر	۲۴۷	۷۱	۱۶۶
موتور پمپ	۲۳۵۷	۲۶۶۶	۳۴۱۳

پاسخ به این پرسش را باید در شرایط آب و هوایی و نحوه کاربرد ماشینهای کشاورزی در ایران جستجو کرد. در کشور

مسائل و مشکلات اصولی و اجرایی موفق نبودند و به همین جهت، بلافاصله بعد از انقلاب به جز تعداد معدودی از آنها بقیه منحل شدند. در ارزیابی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران درباره شرکت‌های سهامی زراعی چنین آمده است:

«این شرکتها بدون توجه به خواست اکثریت کشاورزان و با تبدیل مالکیت نسق مزروعی آنان به سهام و اعمال مدیریت دولتی به وجود آمدند...»

کشاورزان، آشنا ساختن کشاورزان با اصول و شیوه‌های پیشرفته تولید و یکپارچه کردن اراضی زراعی و جلوگیری از خرد شدن و تقسیم زمینهای زراعی به قطعات کوچک و غیراقتصادی ... در سطح کشور تشکیل گردیده است. فکر تأسیس این شرکتها بعد از اجرای اصلاحات ارضی ناقص و قطعه قطعه شدن زمینها شکل گرفت و به مرحله اجرا درآمد. تعداد این شرکتها بتدریج زیاد شد؛ به طوری که قبل از انقلاب به حدود ۹۳ شرکت بالغ گشت. این شرکتها با توجه به

جدول شماره ۱۹ - سطح زیرکشت، میزان تولید و عملکرد محصولات زراعی شرکت‌های سهامی زراعی طی سالهای (۱۳۶۸-۷۰)

نام محصول	سطح زیر کشت (هکتار)			میزان تولید (تن)			عملکرد (کیلو در هکتار)		
	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
گندم	۳۰۵۰	۴۱۵۰	۴۲۴۰	۸۴۵۲	۹۵۱۷	۹۷۴۱	۲۷۷۱	۲۲۹۳	۳۷۸۷
جو	۱۹۷۳	۳۱۹۰	۲۹۰۰	۲۴۴۵	۱۰۳۴۲	۹۲۶۳	۵۷۳۳	۳۲۴۲	۴۴۶۶
چغندر قند	۳۷۰	۱۸۸۰	۱۹۹۵	۲۱۲۱۲	۲۸۱۸۲	۳۳۲۵۰	*	۱۴۹۹۰	۵۰۴۵۵
ذرت دانه‌ای	-	۲۰۰	۲۴۵	-	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۱۳۰۰۰	گزارش نشده	گزارش نشده
ذرت علوفه‌ای	۱۹۵	۲/۵	۱۸۰	-	-	۵۵۳۶	-	-	۳۲۵۶۵
یونجه	۵۵	۲۸۲	۵۲۰	۲۸۳۹	۹۷۶۲	۶۱۷۰	۶۹۸۰۰	۲۰۲۵۳	۵۳۳۴
سیب زمینی	-	-	۲۰۰	-	-	۵۶۰۰	-	-	۴۰۰۰۰
حبوبات	-	-	۱۵۰	-	۴/۵	۱۲۰	-	-	۶۰۰۰
صیفی جات	۶۸۰	۴۸۰	۷۰۰	۸۸۰۰	۷۱۰۰	۵۷۸۹	۱۲۹۴۱	۱۴۷۹۲	۷۹۵۲
زیره	۲۵۰	۱۰۰	۳۰۰	۷/۵	۵۱	۱۲۲	۳۰	۵۱۰	۸۱۳
زعفران	۹/۵	۲۴	۳	-	۰/۰۱۹	۰/۰۳	-	۰/۷۹	۱/۳
پنبه	۱۲	۹۰	-	-	۱۷۰	-	-	۱۸۸۹	-
زرشک	-	۱	-	-	۰/۶۳	-	-	۶۴۰	-
باغات	۳۵۰	۵۵۰	۵۵۰	-	۲۵۰	۷۰	-	۲۵۵	۵۳۸
جمع	۱۲۱۰۳	۱۱۱۵۱/۵	۶۹۴۲/۵	-	-	-	-	-	-

\* علامت (-) نشانگر صفر بودن رقم است.



شماره (۱۹) و (۲۰) نشان داده شده است. همان طور که از جدولها برمی آید، به علت ضعف آماری نمی توان تصویری روشن از عملکرد را ارائه داد. به هر حال، رشد کندی که در تولید بعضی از محصولات مشاهده می شود، عمدتاً ناشی از افزایش سطح زیرکشت است. نوسانات در عملکرد طی سه سال مزبور زیاد است و متوسط عملکرد بسیاری از محصولات تفاوت معنی داری با عملکرد خارج از شرکتها ندارد.

فعالیت‌های این شرکتها در زمینه‌های عمرانی و زیربنایی در جدول شماره (۲۱) گزارش شده است. فعالیت‌های تسطیح اساسی عملکرد سال ۱۳۷۰ مطلوب بود ولی عملکرد در فعالیت‌های عمده دیگر مانند تسطیح نسبی و احداث زهکشی اصلی در طول سه سال مربوط تابع یک روند نزولی

لذا تصرف زمینهای کشاورزان و وادار کردن آنها به کار در همان زمینها تحت مدیریت دولتی نتوانست اهداف اعلام شده تاسیس این شرکتها را برآورده کند و سرانجام منجر به تعطیلی این شرکتها در قبل از انقلاب شد. به عبارت دیگر تمرکز زمینها و امکانات برای دستیابی به تولید و درآمد بیشتر که هدفی منطقی در کشاورزی محسوب می شود، با نادیده گرفتن عوامل موثر اجتماعی مثل حق رای و انتخاب آزاد افراد و عدم جلب اعتماد و دخالت در اداره شرکت باعث شکست آنها شد. تجربه‌ای که می تواند مایه عبرت آیندگان باشد.

عملکرد شرکت‌های سهامی زراعی موجود طی سالهای ۷۰-۱۳۶۸ برای فعالیت‌های تولیدی زراعی و باغی و همچنین تولیدات دامی به ترتیب در جدول

(جدول شماره ۲۰) - وضعیت دامداری و دامپروری شرکت‌های سهامی زراعی طی سالهای (۷۰-۱۳۶۸)

شرح فعالیت	واحد	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
تعداد گوسفند، بز، میش و غیره	راس	*-	۱۲۸۶۸	۶۶۵۴
تعداد گاو	راس	-	۲۶۰۰	۲۳۵۵
تعداد گاو شیری	راس	-	۸۶۱	۷۴۲
تولید شیر روزانه	تن	-	۱۱	۱۷
برداشت ماهی از استخرهای مصنوعی	تن	-	۵	۱۱۲

\*: علامت (-) به معنای «گزارش نشده» است.

مختلف خدمات‌رسانی به کشاورزان و روستاییان مانند عرضه کالاهای مصرفی، خرید مازاد محصولات کشاورزی، توزیع نهاده‌های کشاورزی، مشارکت در طرح‌های افزایش تولید و آموزش روستاییان، پرداخت وام و... می‌توانند فعالیت داشته باشند.

در این نوشته، عملکرد تعاونیها در چهار فعالیت عمده تامین نهاده‌ها، پرداخت وام، خرید مازاد محصولات کشاورزی، عرضه کالاهای مصرفی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج در جدولهای شماره ۲۴-۲۲ گزارش شده است. یکی از وظایف شرکتهای تعاونی تامین نهاده‌هایی است که کشاورز به تنهایی توانایی تهیه آن را ندارد. برای انجام چنین وظیفه‌ای شرکت تعاونی نیاز به سرمایه دارد. سرمایه‌های شرکتهای تعاونی

بود. تاثیر کاهش سرمایه‌گذاری زیربنایی را در روند افزایش میزان تولید محصولات استراتژیک توسط شرکتهای سهامی زراعی، درمقایسه با کل کشور می‌توان مشاهده نمود. به طور مثال طی سالهای ۷۰-۱۳۶۸، افزایش میزان تولید گندم در این شرکتهای به‌طور متوسط حدود ۷/۴۷ درصد بود که درمقایسه با کل کشور (۳۳/۳ درصد) ناچیز می‌باشد.

#### ۵-۶- شرکتهای تعاونی روستایی و کشاورزی

شرکتهای تعاونی روستایی از دهه ۱۳۴۰ در زمینه‌های مختلف خدمات‌رسانی به کشاورزی و تامین نیازمندیهای روستاییان در عرصه کشاورزی ایران به وجود آمدند. این شرکتهای در زمینه‌های

(جدول شماره ۲۱) - فعالیتهای عمرانی و زیربنایی شرکتهای سهامی زراعی طی سالهای (۷۰-۱۳۶۸)

شرح عملیات	واحد	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
تسطیح نسبی	هکتار	۸۵۶	۷۷۵	۴۷۹
تسطیح اساسی	هکتار	۴۰	۳۰	۱۱۰۰
احداث زهکشی اصلی	کیلومتر	۳۰	۴۰	۶
احداث نهر و کانال	کیلومتر	۳۵	۲۸	۳۵
احداث پل	دهنه	۱۷	۳۰	۲۵
حفر چاه عمیق	حلقه	-	۸	۶
لا پروبی نهر و کانال	کیلومتر	۸۶	۳۲	۵۳
تولید آجر (روزانه)	قالب	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰

۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	واحد	شرح فعالیت	
۳۱۰۲	۳۱۱۰	۳۱۱۰	شرکت	تعداد شرکتهای تعاونی روستایی	شرکتهای
۴۳۶۷۳۹۵	۴۳۳۴۲۲۳	۴۲۴۵۹۴۲	نفر	تعداد اعضای شرکتهای تعاونی روستایی	تعاونی روستایی
۸۴۳۸۵	۷۵۶۸۳	۶۶۲۱۵	میلیون ریال	میزان سرمایه شرکتهای تعاونی روستایی	
۲۷۱۹۵	۲۶۱۴۳	۲۱۳۱۵	میلیون ریال	میزان ذخیره شرکتهای تعاونی روستایی	
۵۷۷۳۳	۵۷۱۱۰	۵۸۲۹۱	ده	تعداد دهات حوزه عمل شرکتهای	
۱۴۴۶	۱۴۵۴	۱۴۹۹	حوزه	تعداد حوزه تعاونی	
۱۹۱	۱۸۹	۱۸۹	اتحادیه	تعداد اتحادیه های تعاونی روستایی	اتحادیه های تعاونی روستایی
۳۱۰۱	۳۱۰۵	۳۱۰۵	شرکت	تعداد شرکتهای عضو اتحادیه	
۴۲۷۶۸۳۵	۴۲۷۵۴۵۸	گزارش نشده	نفر	تعداد اعضای شرکتهای عضو	
۲۲۳۳۸	۱۹۹۸۸	۱۸۳۷۳	میلیون ریال	میزان سرمایه اتحادیه ها	
۱۶۳۴۷	۱۴۴۰۷	۱۱۷۴۲	میلیون ریال	میزان ذخیره قانونی اتحادیه ها	
۱۱۹۲	۱۱۰۱	۷۳۶	شرکت	تعداد شرکتهای تعاونی کشاورزی	شرکتهای
۶۰۳۶۲۱	۵۱۷۴۸۳	۳۸۳۸۸۹	نفر	تعداد اعضای شرکتهای تعاونی کشاورزی	تعاونی کشاورزی
۴۰۴۶۸	۳۱۴۷۳	گزارش نشده	میلیون ریال	میزان سرمایه شرکتهای تعاونی کشاورزی	
۲۸۲۴۵	۱۸۴۷۵	گزارش نشده	میلیون ریال	میزان ذخیره شرکتهای تعاونی کشاورزی	
۴۷	۳۱	گزارش نشده	اتحادیه	تعداد اتحادیه های تعاونی کشاورزی	اتحادیه های تعاونی کشاورزی
۸۸	۷۹	گزارش نشده	شرکت	تعداد شرکتهای عضو تعاونی کشاورزی	
۴۵۹۱	۲۸۵۰	گزارش نشده	میلیون ریال	میزان سرمایه تعاونی کشاورزی	
۲	۱	* -	اتحادیه	تعداد اتحادیه های صیادی	اتحادیه های
۷۹	۲۹	-	شرکت	تعداد شرکتهای عضو تعاونی صیادی	تعاونی صیادی
۲۳۱	۲۳	-	میلیون ریال	میزان سرمایه تعاونی صیادی	

※ : علامت (-) نشانگر رقم صفر است.

براساس آمار این جدول، متوسط وام پرداختی در سال ۱۳۷۰ مبلغ ۱۴۹۶۴۷ ریال بوده است. این مبلغ قادر به مس هیچ‌گونه مشکلی در زمینه تهیه نهاده‌های کشاورزی، بازاریابی، امور اجتماعی، ... کشاورزان نخواهد بود. عضو تعاونی وام مزبور را می‌گیرد و چون هیچ‌گونه کنترل و نظارت از نظر مصرف وام به عمل نمی‌آید آن را در هر کجا که صلاح بدانند، مصرف می‌کند. از سوی دیگر، زمان پرداخت این وام معمولاً خارج از فصل زراعی است؛ لذا عمدتاً این وامها به مصرف اموری غیر از کشاورزی خواهند رسید. به دلایل یاد شده سیاست اعطای وام از طریق شرکتهای تعاونی کارایی ندارد و وابستگی کشاورز به منابع اعتباری غیر از شرکت تعاونی و در فصل زراعی به قوت خود باقی می‌ماند.

در جدول شماره (۲۲) نشان داده شده است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۶۸ سرمایه متوسط هر شرکت تعاونی روستایی کمتر از ۲۲ میلیون ریال بوده است که با ملاحظه تعداد اعضای این شرکتها به هر نفر کمتر از ۱۶۱۱۷۲ ریال تعلق می‌گیرد. به عبارت روشنتر، اگر این شرکتها بخواهند وظیفه محوله را نسبت به تمامی اعضای شرکت ادا کنند، تنها مبلغ بالا را می‌توانند هزینه نمایند. این یکی از دلایل عمده‌ای است که شرکتهای تعاونی را در انجام این وظیفه ناموفق کرده است.

در مورد اعطای وام به کشاورزان نیز وامهای پرداختی ناکافی و عموماً کوتاه‌مدت است. جدول شماره (۲۳) وام پرداختی به هر کشاورز را از جانب تعاونیها در سه سال ۷۰-۱۳۶۸ گزارش کرده است.

(جدول شماره ۲۳) - فعالیتهای عمده شرکتهای تعاونی روستایی طی سالهای (۷۰-۱۳۶۸)

شرح فعالیت	واحد	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
میزان وام پرداختی	میلیون ریال	۸۲۳۹۲	۱۲۴۴۹۲	۱۱۸۳۳۳
تعداد اعضای وام گیرنده	نفر	۷۹۱۳۵۷	۱۰۷۶۶۶۳	۷۹۰۷۵۰
متوسط وام پرداختی	ریال	۱۰۴۱۱۵	۱۱۵۶۲۸	۱۴۹۶۴۷
میزان وصول وام	میلیون ریال	۹۳۵۴۵	۹۷۳۹۵	۱۱۳۲۸۷
تعداد کل فروشگاههای مصرف	فروشگاه	۱۱۳۵۴	۱۱۴۴۹	۱۱۸۵۵
ارزش ریالی کالاهای عرضه شده	میلیون ریال	۱۴۸۱۹۲	۱۷۲۵۸۹	۱۵۵۷۰۹
ارزش ریالی محصولات خریداری شده	میلیون ریال	۱۲۸۳۹۱	۲۹۹۰۷۳	۵۲۸۷۸۵

سرمایه و سایر تسهیلات و امکانات از قبیل انبارداری، وسایل حمل و نقل و... از جمله محدودیت‌هایی است که تعاونیها با آن روبرو هستند.

بالاخره میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی در عرضه کالاهای مصرفی به مثابه سایر فعالیتها اندک بوده است. لذا شایسته است حمایت بیشتری از این شرکتها به عمل آید. مدیریت این شرکتها اغلب فوق‌العاده ضعیف است. تعداد مدیران تعاونیها کم و اکثراً ناآگاه از آموزشهای لازم هستند. جدی گرفتن تعاونیها و برطرف کردن محدودیت‌های

یکی دیگر از وظایف محوله به این تعاونیها، خرید محصولات مازاد بر نیاز کشاورزان است. ارزش کل خرید محصولات عمده به وسیله شرکت‌های تعاونی در جدول شماره (۲۴) گزارش شده است. ارزش کل محصولات خریداری شده تعاونی در سال ۱۳۷۰ فقط ۵۲۸۷۸۵ میلیون ریال بوده است که درصد ناچیزی از کل ارزش تولیدی این محصولات می‌باشد؛ به طور مثال، برنج خریداری شده در سالهای ۷۰-۱۳۶۸ به ترتیب ۰/۵۵ درصد، ۰/۴۶ درصد، و ۰/۲۶ درصد از کل برنج تولید شده در سطح کشور است. نبود

جدول شماره ۲۴- میزان خرید محصولات عمده توسط شرکت‌های تعاونی روستایی طی سالهای (۷۰-۱۳۶۸)

۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	واحد	محصولات خریداری شده
۳۲۵۸۳۵۰	۲۴۳۹۹۲۳	۹۹۵۳۳۰	تن	گندم
۵۱۱۴	۹۲۳۰	۱۰۲۷۴	تن	برنج
۱۱۵۱۸	۲۲۴۰۵	۱۱۱۶۵	تن	انواع حبوبات
۴۴۷۷۳۷	۲۲۳۸۲۰	۲۴۷۹۷	تن	جو
۸۴۷	۹۹۸	۲۵۳۵	تن	خرما
۸۶۵۱۹۴	۲۵۸۷۴	۵۱۴۳۹	تن	تره بار
۴	۲۶	۴۷۸	تن	پشم
۱۳۶۸	۴۲۳۴	۵۴۶۰	تن	پنبه (وش)
۲۷۷	۲۳۶۰	۲۰۷۳	تن	مرکبات
۲۹۶	۵۷۱	۸۴۲	تن	ذرت
۳۰۳۴	۶۷۲۸	۶۵۵۱	میلیون ریال	محصولات متفرقه
۵۲۸۷۸۵	۲۹۹۰۷۳	۱۲۸۳۹۱	میلیون ریال	ارزش کل کالاهای خریداری شده

موجود و ارشاد و هدایت آنها به مسیر اصلی انجام وظایف کمک چشمگیری را به روستاییان و کشاورزان خواهد نمود. البته این هدایت و حمایت نباید به دولتی شدن تعاونیها منجر شود که نقض اصول تعاونی است.

ارز، گسترش ظرفیت تولیدی، ورود تکنولوژی و... است که پرداختن به آنها در حوصله این بحث نمی‌گنجد. لازم به یادآوری است که تشویق گسترش تجارت خارجی از جنبه صادرات محصولات کشاورزی از هدفهای برنامه اول بوده است. برای ارزیابی عملکرد فعاليتها ابتدا وضعیت صادرات و سپس واردات این محصول توضیح داده می‌شود.

## ۷- تجارت خارجی کشاورزی

### ۷-۱- مقدمه

ارتباط میان تجارت خارجی و رشد اقتصادی در دو دهه اخیر بویژه از زمانی که برخی از کشورها (مانند کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و...) با اتخاذ استراتژی توسعه صادرات به موفقیت‌هایی دست یافتند، به طور وسیعی مطرح شد. دلایل زیادی وجود دارد که آمیزش معقول و آگاهانه سیاست بازرگانی خارجی با سیاستهای توسعه داخلی عامل اصلی وصول به توسعه اقتصادی است. از جمله این دلایل تحصیل

### ۷-۲- صادرات کشاورزی

صادرات محصولات کشاورزی سهمی عمده در صادرات غیرنفتی کشور دارد. میزان صادرات غیرنفتی کشور به تفکیک گروههای اصلی کالا در سالهای ۶۹-۱۳۶۷ در جدول شماره (۲۵) نشان داده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید کل صادرات غیرنفتی در دوره مورد بررسی افزایش یافته

جدول شماره ۲۵- میزان صادرات غیرنفتی کشور به تفکیک گروههای اصلی کالا در سالهای ۶۹-۱۳۶۷  
واحد: تن، میلیون ریال

نام کالا	۱۳۶۷		۱۳۶۸		رشد (درصد)		۱۳۶۹		رشد (درصد)	
	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش
کالاهای کشاورزی	۴۰۱/۳	۲۹۹۴۸/۶	۳۵۳/۲	۳۶۹۰۷/۷	-۱۲	۲۳	۵۴۲/۰	۳۷۹۵۷/۱	۵۳	۳
کالاهای صنعتی	۳۸۹/۶	۹۰۳۳/۷	۵۳۴/۵	۸۸۲۲/۱	۳۷	-۲	۴۳۵/۱	۱۱۴۹۸/۷	-۱۹	۳۰
مواد معدنی و مصالح ساختمانی	۳۷۴/۱	۲۳۶۱/۸	۴۴۶/۳	۳۲۳۶/۱	۶۳	۳۷	۹۷۸/۸	۴۱۸۴/۹	۱۱۹	۲۹
فروش بشمی دستیاف	۷/۵	۲۱۳۸۷	۹/۰	۲۴۶۷۸/۰	۲۰	۱۵	۱۰/۸	۳۱۵۶۵/۹	۲۰	۲۸
سایر کالاها	۱۰۰/۸	۴۴۰۴/۳	۱۰۱/۹	۴۸۶/۰۴	۱	۱۰	۲۰۱/۲	۶۰۵۳/۳	۹۷	۲۵
جمع	۱۱۷۳/۳	۶۷۱۳۵/۳	۱۴۴۵	۷۸۵۰۴/۴	۲۳	۱۷	۲۱۶۸	۹۱۲۵۹/۹	۵۰	۱۶

مأخذ: معاونت طرح و برنامه وزارت کشاورزی، بررسیهای آماری کشاورزی، سالهای مختلف

از کالاهاست. علی‌رغم اینکه طی سالهای ۷۰-۱۳۶۷ هر سال تعدادی کالا به اقلام صادراتی افزوده شد (به طوری که در سال ۱۳۷۰، حدود ۱۵ قلم کالا به مجموع کالاهای صادراتی اضافه گردید) هنوز حدود ۵۰ درصد از صادرات را پسته و مغز پسته تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، تمرکز کالایی در صادرات محصولات کشاورزی وجود دارد. از سویی، ترکیب صادرات محصولات کشاورزی از لحاظ تقسیم‌بندی زیربخش نشان می‌دهد که زراعت بیشترین سهم را در مقدار (۹۴/۱ درصد) و ارزش (۶۸/۶۴ درصد) صادرات کشاورزی داشته است. بعد از زراعت، دامپروری با سهمی حدود ۱۹/۳۱ درصد بیشترین سهم را به طور متوسط در ارزش صادرات در طول سالهای ۷۰-۱۳۶۷ داشته است. شیلات و

است. افزایش صادرات محصولات کشاورزی از نظر وزن و ارزش در جدول مشاهده می‌شود. افزایش صادرات محصولات کشاورزی در طول سه سال ۵۹ درصد بوده است ولی از لحاظ ارزش، رشد آن تنها ۳ درصد است. به عبارت دیگر، قیمت این محصولات در بازار جهانی به نسبت سایر کالاها رشد نداشته است. برای مقایسه میان محصولات در ترکیب صادرات غیرنفتی، سهم گروههای مختلف در جدول شماره (۲۶) نشان داده شده است. گروه کشاورزی در سال ۱۳۶۸ حدود ۴۷ درصد ارزش کل صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است. نکته دیگری که در مورد صادرات محصولات کشاورزی گفتنی است، متکی بودن صادرات کشاورزی به چند قلم عمده

(جدول شماره ۲۶) - سهم گروههای مختلف کالا در صادرات غیرنفتی کشور

طی سالهای ۶۹-۱۳۶۷ واحد: درصدوزن، درصدارزش

۱۳۶۹		۱۳۶۸		۱۳۶۷		نام کالا
وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	
۲۵	۴۱/۵۹	۲۴/۴۴	۴۷/۰۱	۳۴/۲	۴۴/۶۱	کالاهای کشاورزی
۲۰/۰۷	۱۲/۶۰	۳۶/۹۹	۱۱/۲۴	۳۳/۲۱	۱۳/۴۵	کالاهای صنعتی
۴۵/۱۵	۴/۵۹	۳۰/۸۹	۴/۱۲	۲۳/۳۶	۳/۵۲	مواد معدنی و مصالح ساختمانی
۰/۵	۳۴/۵۹	۰/۶۲	۳۱/۴۴	۰/۶۴	۳۱/۸۶	فروش پشمی دستباف
۹/۲۸	۶/۶۳	۷/۰۶	۶/۱۹	۸/۵۹	۶/۵۶	سایر کالاها
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

مأخذ: معاونت طرح و برنامه وزرات کشاورزی، بررسیهای آماری کشاورزی، سالهای مختلف



پیش‌بینی برنامه تفاوت‌هایی دارد. برای گروه دامپروری و شیلات در هر سه سال اول برنامه، پیش‌بینی بسیار بیشتر از عملکرد است. برای هر دو گروه، میزان درصد اختلاف بسیار زیاد است. لذا می‌توان اظهار کرد که پیش‌بینی برنامه مطابق واقعیت‌های این دو گروه نبوده است. عملکرد صادرات گروه جنگل و مرتع به میزان چشمگیری از برنامه پیشی گرفته است. به طوری که در سال اول، عملکرد ۱۴۸ درصد بیشتر از پیش‌بینی بوده است. در کمترین حد خود یعنی در سال سوم، این گروه ۷۴/۵ درصد بیش از پیش‌بینی برنامه عملکرد داشته است. در گروه زراعت در سال اول عملکرد از پیش‌بینی کمتر بوده است ولی در سال سوم با مازاد روبرو بوده است.

جنگل و مرتع با داشتن سهم متوسط به ترتیب ۹/۰۵ درصد و ۳ درصد در ارزش صادرات در رده‌های بعدی قرار دارند. جدول شماره (۲۷) جزئیات سهم هر گروه را نشان می‌دهد.

### ۱-۲-۷- مقایسه عملکرد صادرات بخش کشاورزی با پیش‌بینی برنامه

آنچه که در برنامه پنج‌ساله بخش کشاورزی برای تجارت خارجی و صادرات پیش‌بینی شده است، برحسب چهار زیربخش عمده آن یعنی گروه زراعت، دامپروری، شیلات، و جنگل و مرتع می‌باشد. جدول شماره (۲۸) نتایج مقایسه عملکرد و پیش‌بینی را نشان می‌دهد. براساس این جدول، میزان صادرات با

(جدول شماره ۲۷) - سهم صادرات انواع کالاهای کشاورزی طی سالهای ۷۰-۱۳۶۷

واحد: درصد

گروه کالا	۱۳۶۷		۱۳۶۸		۱۳۶۹		۱۳۷۰	
	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش
زراعت: شامل	۹۴/۸۲	۶۱/۹۷	۹۱/۲۷	۶۳/۸۰	۹۴/۶	۷۲/۴۱	۷۶/۳۷	۹۴/۱
محصولات زراعی	۲۲/۳۷	۲/۶۱	۱۷/۶۹	۲/۹۸	۱۳/۶۱	۵/۸۴	۱۴/۷۲	۱۷/۱
محصولات جانیزی	۲۰/۰۹	۱/۸۸	۵/۶۸	۰/۶۲	۱۴/۳۰	۱/۲۹	۲۸/۱۱	۱۶/۹۸
محصولات باغی	۵۲/۳۶	۵۷/۴۸	۶۷/۹	۶۰/۲	۶۶/۹۶	۶۵/۲۸	۵۲/۸۹	۶۰/۰۳
محصولات فرعی جنگل و مرتع	۱/۱۷	۲/۵۱	۲/۸۱	۳/۵۸	۱/۳۰	۴/۰۸	۰/۸۱	۶/۰۸
شیلات و آبزیان	۰/۶۲	۱۱/۰۱	۰/۹۵	۸/۱۴	۱/۵۷	۱۰/۱۸	۰/۸۹	۱/۰۱
دام و محصولات دامی	۳/۴۰	۲۴/۵۱	۴/۹۷	۲۴/۴۹	۲/۵۳	۱۳/۳۳	۲/۵۸	۳/۳۷
بخش کشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰



نیمی از صادرات بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهد خدشه‌ای وارد کرده، نیمی از صادرات بخش کشاورزی دچار نوسان خواهد شد. این مسأله خود نشان‌دهنده وجود وابستگی در بخش تجارت خارجی کشور است که برای تامین نیازهای وارداتی فقط باید به چند قلم صادرات متکی بود.

از آنجا که مهمترین هدف سیاستهای تشویق صادرات، رهایی از چنین تنگنایی است، می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد سیاستهای مذکور طی سالهای مورد مطالعه موفقیت‌آمیز نبوده است.

جنبه دوم نتیجه‌گیری از عملکرد بخش کشاورزی مقایسه آن با پیش‌بینی برنامه است. به طور کلی روند عملکرد بخش کشاورزی در مقایسه با پیش‌بینی برنامه به سمت برآورده کردن آن هدفها می‌باشد؛ به طوری که از حدود ۳۵ درصد کسری نسبت به پیش‌بینی، به بیش از ۲۹ درصد مازاد نسبت به آن در سال ۱۳۷۰ حرکت کرده است. البته همان‌طور که از ارقام بالا برمی‌آید، عملکرد نسبت به پیش‌بینی بسیار در نوسان بوده است که این خود حاکی از پیش‌بینی و برنامه‌ریزی ضعیف و غیرعلمی در این بخش می‌باشد. چراکه به طور کلی هر برنامه‌ریزی برای موفقیت خود باید سه محور را مورد نظر قرار دهد که عدم شناخت نسبت به هر یک از آنها موجب ضعف برنامه‌ریزی و در نتیجه شکست آن خواهد شد. این سه محور عبارتند از: برآورد امکانات، پیش‌بینی موانع و تعیین دقیق و مشخص ابزارهای لازم جهت دستیابی به

آنچه که از بررسی کلی بالا در دوره مورد مطالعه قابل ملاحظه است، تنوع بیشتر در اقلام صادرات بخش کشاورزی و گسترش کمی این صادرات است. باتوجه به مباحث بالا و همچنین استنباط خاصی که از تولیدات بخش کشاورزی داریم، می‌توان نتیجه گرفت، آنچه که اتفاق افتاده استراتژی تشویق صادرات بوده است. به عبارت دیگر، توسعه کمی صادرات از حیث مقدار، ارزش و تنوع اقلام آن مورد نظر است و به هیچ عنوان تحولی در ساختار تولید ایجاد نشده است. درعین حال جایگاه بخش کشاورزی در کل صادرات غیرنفتی نیز بسیار حائز اهمیت است. در روند سالهای مورد مطالعه، دیدیم که سهم صادرات کالاهای کشاورزی در کل صادرات غیرنفتی رو به کاهش نهاده است و این نشان می‌دهد که عکس‌العمل بخش کشاورزی نسبت به سیاستهای تشویق صادرات دولت از سایر بخشها ضعیفتر بوده و این امر خود به مسأله تولید و مدرنیزه نبودن تولیدات این بخش بازمی‌گردد.

علی‌رغم متنوعتر شدن کالاهای صادراتی بخش، از لحاظ ارزش کماکان نمی‌توان روندی قابل توجه را برای آن در نظر گرفت؛ چراکه هنوز سهم عمده محصولات کشاورزی در انحصار چند قلم کالای خاص است. این وضعیت در ادبیات تجارت بین‌الملل به تمرکز کالایی معروف است که مبین وجود آسیب‌پذیری بالقوه صادرات می‌باشد. از این رو، چنانچه در بازار خارجی کالای پسته و مغز پسته که نزدیک

هدف. به این ترتیب، مشخص است که پیش‌بینی برنامه درخصوص موضوع مورد مطالعه، دست کم در یکی از سه محور بالا ضعف مشخصی دارد.

این نتیجه‌گیری در مورد زیربخشهای کشاورزی نیز صادق است؛ به طوری که عملکرد نسبت به پیش‌بینی برای زیربخش دامپروری و شیلات به طور کلی کمتر است. از سوی دیگر عملکرد از بخش جنگل و مرتع نسبت به پیش‌بینی بسیار زیادتر بوده است.

در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که شرایطی که در پیش‌بینی برنامه گنجانده شده و برنامه‌ریزی براساس آن صورت گرفته است، غیرواقعی بوده و عملکرد صورت گرفته مبنای مشترکی با پیش‌بینی برنامه نداشته است. اختلاف عملکرد با پیش‌بینی به لحاظ درصد بسیار فاحش است.

به طور کلی آنچه از عملکرد بخش کشاورزی استنباط می‌شود، این است که بخش کشاورزی از ساختاری سنتی در تولید برخوردار است. تمامی آنچه که در قسمت نتیجه‌گیری عنوان شد، نیز به نوعی ناشی از این ساختار سنتی کشاورزی است. به این جهت هر نوع سیاستگذاری باید در جهت مدرنیزه کردن کشاورزی باشد. درعین حال لازم است از مسأله تحقیقات و کاربرد روشهای علمی در تولیدات کشاورزی استفاده فراوان کرد.

نتیجه این پیشنهاد به صورت علمی به این ترتیب اجرا می‌شود که سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و سهم کشاورزی مکانیزه در کل کشاورزی افزایش یابد و بودجه تحقیقات کشاورزی نسبت به گذشته افزون شود. همچنین تشویق و شناسایی بیشتری در زمینه کالاهای صادر شدنی صورت گیرد و امکانات و تسهیلات صادراتی بیشتری به این امر تخصیص یابد.

### ۳-۷- واردات محصولات کشاورزی

نکته مهم در زمینه واردات محصولات کشاورزی تقاضای کل برای این محصولات در اقتصاد و میزان تولیدات داخلی آنهاست؛ به طوری که واردات محصولات کشاورزی از تفاوت دو متغیر بالا ناشی می‌شود. عواملی که بر دو متغیر بالا موثر هستند، متمایز بوده و در مجموع عبارتند از: الگوی مصرف، میزان درآمد ملی، نظام تولید کشاورزی و الگوی آن و همچنین نسبت قیمتها و رشد جمعیت. این عوامل بر روی مصرف و تولید اثر می‌گذارد و به همراه عوامل اقتصادی بین‌المللی، تعیین‌کننده واردات است.

آنچه در روند گذشته بخش کشاورزی و درارتباط با واردات مهم به نظر می‌رسد، مسأله توازن نداشتن رشد جمعیت با تولیدات کشاورزی داخلی است؛ به طوری که همواره نیاز به واردات را بیشتر کرده است. درعین حال، درآمدهای سهل‌الوصول

محصولات کشاورزی براساس منابع مختلف آماری و اطلاعاتی بسیار مختلف است و گاه این اختلاف بسیار زیاد است. از این رو، ارقام ارائه شده در این قسمت با توجه به این اختلافات آماری (که به علت اختلاف در مبنای آمارگیری دستگاههای مختلف است) ارائه می شود.

برحسب اطلاعات مندرج در آمار بازرگانی خارجی کشور (وزارت بازرگانی) واردات محصولات کشاورزی درصد چشمگیری از کل واردات را تشکیل می دهد. جدول شماره (۲۹) به بررسی این موضوع می پردازد. لازم به ذکر است اقلام محصولات کشاورزی ذکر شده در این جدول، براساس قسمتهای تعرفه آمار بازرگانی خارجی کشور ارائه شده است.

نفی در شکل دهی الگوی مصرف و به دنبال آن تشدید نیاز به واردات بی تاثیر نبوده است؛ از این رو، این واردات تحت عنوان واردات نیازهای اساسی و استراتژیک بیان می شوند.

تحلیل حاضر از عملکرد واردات بخش کشاورزی به سبب آنکه دسترسی به پیش بینی برنامه در این خصوص برای تک تک اقلام آن میسر نبود، صرفاً به گزارشی از عملکرد صورت گرفته در سالهای اخیر می پردازد. در عین حال، روند آن با توجه به ملاحظات اقتصادی و با وضعیت مطلوب آن مقایسه می گردد.

### ۱-۳-۷- تحلیل عملکرد واردات بخش کشاورزی در سالهای اخیر اطلاعات موجود در زمینه واردات

(جدول شماره ۲۹): واردات کل و انواع واردات محصولات کشاورزی

سال		سال		واحد
۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۸	۱۳۶۹	
وزن (هزارتن)	ارزش (میلیارد ریال)	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیارد ریال)	
۱۹۲۴۰/۶۵	۹۲۷/۳	۱۹۵۴۱۵۲۸/۱	۱۲۶۱/۶۵	کل واردات
۸۲۲۱/۶	۱۳۳/۳	۵۶۹۸	۸۳/۵	انواع غلات
۷۳/۱۵	۲/۴	۱۸۵۵۸۵/۸	۹/۰۱	چوب و اشیای چوبی
۸۵۸/۲۵	۲۸/۷	۵۹۰۷۹۷/۷	۲۲/۷۸	چربی و روغن حیوانی
۱۱۴/۴۶	۱/۷	۲۸۰۴۴/۷	۲/۴۹	گوشت
۴۷۹/۹۶	۱۶/۱	۶۷۴۰۸۱/۸	۲۳/۶۴	قند و شکر

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی کشور سال ۱۳۷۱ وزارت بازرگانی

رسیده است. واردات گوشت مرغ نیز معادل ۱۵ هزار تن می باشد.

آنچه که به طور کلی از بررسی وضعیت واردات می توان نتیجه گرفت، این است که تولیدات کشاورزی در داخل کشور تکافوی جمعیت رشدیابنده را نمی کند و از این رو، میزان وابستگی به واردات این اقلام طی چند دهه گذشته بسیار زیاد شده است؛ به طوری که این اقلام وارداتی تحت عنوان نیازهای اساسی و استراتژیک بیان می شوند. روند واردات اقلام کشاورزی در سه سال مورد بررسی کاهشی است اما باید توجه داشت که بعضی از اقلام وارداتی به تبع دوره تناوبی تولید در داخل، سیکل تناوبی خاص خود را دارند (مانند حبوبات)؛ از این رو، کاهش در بعضی اقلام وارداتی در بعضی از سالها را باید بیشتر به این عامل منتسب کرد.

تنها کالایی که می توان کاهش چشمگیری را برای آن مشاهده کرد، گوشت قرمز است که طی سالهای برنامه کاهش محسوسی داشته است.

در زمینه عملکرد برنامه باید این هدف کلی برنامه را در نظر گرفت که روند به سوی خودکفایی در مورد بیشتر این محصولات با توسل به حمایت از تولیدات داخلی و گسترش آنها در نظر گرفته شده است. با توجه به اطلاعات ارائه شده، این هدف برای برخی اقلام مهم تا حد زیادی تامین شده است.

براساس اطلاعات وزارت کشاورزی واردات برخی اقلام مهم کشاورزی به شرح جدول (۳۰) است.

براساس جدول زیر واردات تمام محصولات روند کاهشی را نشان می دهد. در ضمن، آمار واردات گوشت و سایر تولیدات دامی و طیور و علوفه در جدول شماره (۳۱) نشان داده شده است.

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره (۳۱) میزان واردات انواع اقلام دامی در طول برنامه پنجساله کاهش یافته است؛ به طوری که میزان واردات گوشت قرمز به ۱۰۰ هزار تن در سال ۱۳۷۱ محدود گشته است. همچنین واردات شیر خشک در سال ۱۳۷۱ به صفر رسیده است. میزان واردات پنیر سفید به ۵۰ هزار تن کاهش یافته است و

جدول شماره ۳۰: واردات محصولات اساسی

کشاورزی طی سالهای ۷۰-۶۸

(هزار تن)

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
گندم	۵۰۰۲	۳۹۸۴	۲۹۶۵
جو	۷۲۷	۴۶۲	۵۴/۵
برنج	۷۱۶	۵۸۸	۲۹۰
شکر	۵۹۴	۶۹۰	۶۰۰

منبع: خلاصه ای از اقدامات وزارت کشاورزی طی سه سال برنامه پنجساله اول، معاونت طرح و برنامه وزارت کشاورزی، دیماه ۱۳۷۱، صفحه ۲۰.

میزان واردات علوفه به ۱۹۰۰ هزار تن

### ۸- بخش پایانی: پیشنهادهای کلی

می‌یابد که بیشترین کارایی را دارد. در وضعیت موجود به این نکته کمتر توجه شده است. در وضعیت موجود، هنگامی که ضرورت تولید محصولی از لحاظ استراتژیک بودن تشخیص داده می‌شود، میزان تولید جهت خودکفا شدن محاسبه و سعی و تلاش در جهت تحقق هدف مزبور قرار می‌گیرد. اگر به محدودیت منابع توجه شود و تخصیص بهینه منابع را در اهداف بگنجانیم فعالیت، توجیه اقتصادی بهتری خواهد یافت.

۳- سازمان و تشکیلات امور باید از هماهنگی بیشتری برخوردار باشد. اگرچه در برنامه اول به این امر توجه شده است ولی اطلاعات کسب شده

در بررسی هر بخش کوشیدیم تا نقاط ضعف تا حدودی مشخص شود و پیشنهادهای خاص بیان گردد. در این قسمت، به نکات کلی مهم می‌پردازیم و ضمن ارائه جمع‌بندی، پیشنهادهایی را مطرح می‌کنیم.

۱- هدف خودکفایی (یا رشد) بخش کشاورزی باید از جایگاه مهمی در کشور برخوردار باشد؛ زیرا پتانسیل لازم در کشور (بویژه از نظر منابع مهم) وجود دارد.

۲- الگوی مناسب کشت بر اساس تخصیص بهینه منابع باید تهیه شود. در تخصیص بهینه، منابع به محصولی اختصاص

(جدول شماره ۳۱): واردات محصولات دامی

(مقدار: تن، ارزش: هزار ریال)

نام محصول	۱۳۶۷		۱۳۶۸		۱۳۶۹	
	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش
گوشت قرمز	۱۳۶۱۵۲	۱۷۲۱۱۱۳۰	۱۴۱۸۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰	۱۴۱۰۰۰	۱۲۵۰۸۰۰۰
شیر خشک	۸	۱۹۸۰	۹۰۴۵۱۳	۵۰۰۴	۲۵۱	۶۳۷۳۵
کره تازه	۹۲۳۶/۴	۸۳۸۱۵۶	۶۵۴۱۲۶۷	۳۲۵۰۰	۱۰۶۳۴	۱۵۰۷۵۲۲
پنیر سفید	۶۷۵۴۰	۶۳۸۲۴۹۸	۷۸۴۸۰۹۳	۶۹۱۵۰	۵۲۲۴۳	۶۱۰۴۴۹۸
پیه	۱۲۹۰۰	۶۳۱۹۹۳	۶۳۵۶۸۹	۱۲۰۱۲	۱۸۶۷۵	۹۹۲۳۰۰
تخم مرغ نطفه‌دار	۶۹	۱۵۰۶۲	-	-	۱۳	۱۶۸۳۹
تخم مرغ بدون نطفه	۱/۷	۲۱۲۶	۲۴۲	۰/۸	۰/۳۶	۴۳۸
پرندگان خانگی	۰/۴	۳۱۲	-	-	۳	۴۶۲
علوفه	-	-	۵۹۷۰۰۰۰	-	۵۹۵۰۰۰۰	-

مأخذ: معاونت طرح و برنامه وزارت جهاد سازندگی



موفقیت چندانی را نشان نمی‌دهد؛ لذا در برنامه دوم به تاکید مجدد نیاز است.

۴- نظام بهره‌برداری و وضعیت مالکیت اراضی کشاورزی به بهبود و اصلاح نیاز دارد.

۵- نظام ترویج کشاورزی باید متحول شود. در این تحول، سازمان ترویج و تربیت کادر متخصص باید از جایگاه مهمی برخوردار باشند.

۶- تحقیقات بخش کشاورزی اگرچه در برنامه اول دیده شد ولی عملکرد بخش تحقیقات بخصوص در مسائل اساسی و بنیانی از عملکردی مناسب برخوردار نبوده است؛ لذا در برنامه دوم باید مورد تاکید مجدد قرار گیرد. خودکفایی در محصولات کشاورزی از راه سناریوی افزایش عملکرد بر سناریوهای افزایش سطح زیرکشت ترجیح دارد؛ زیرا سطح زیرکشت از نظر منابع محدود است. برای افزایش عملکرد باید راههای مناسب را از طریق انجام تحقیقات شناخت و از آنها بهره برد.

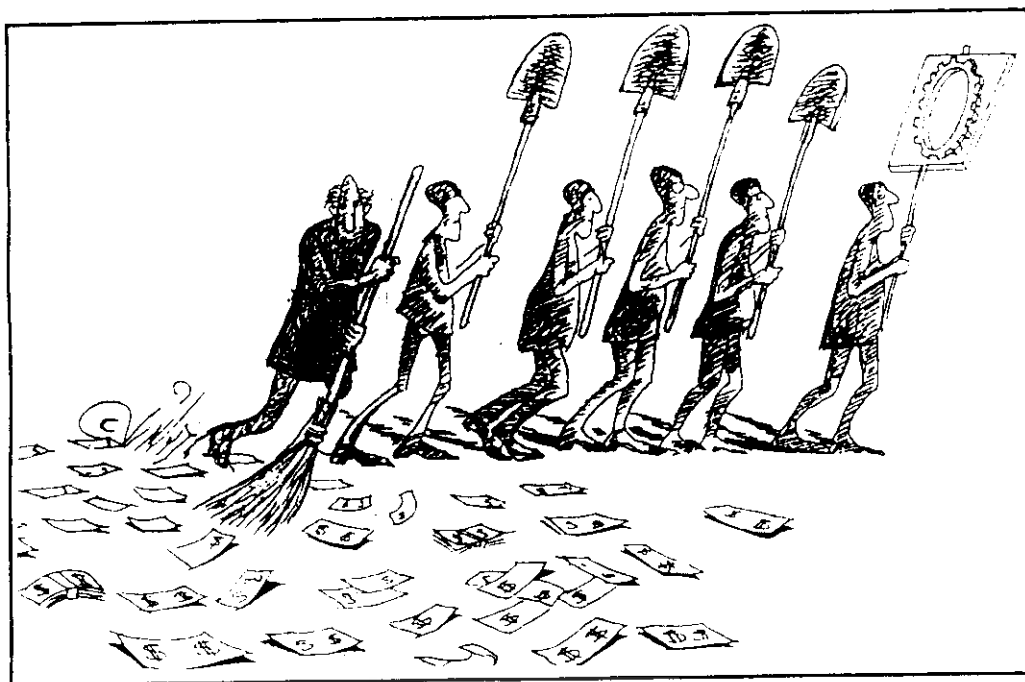
۷- طبق سرشماری سال ۱۳۶۵ حدود ۷۰ درصد شاغلین بخش کشاورزی بیسواد مطلق و ۲۳ درصد بقیه فقط سواد ابتدایی (خواندن و نوشتن) داشتند. با هرتوجهی، انتظار تحول از این جامعه که درصد عظیمی از آن حتی حروف الفبا را نمی‌شناسند، بیهوده است. لذا عامل آموزش باید با تاکید بیشتری برای

این قشر در نظر گرفته شود. لازم به یادآوری است بعد از آموزش به معنی سوادآموزی، آموزش تجربی (کارآموزی) با راندمان بهتری جواب خواهد داد و حالت مستمر خواهد گرفت.

۸- سرمایه‌گذاری در بخش باید مطابق نیاز انجام گیرد. هرگونه کاهش در سرمایه‌گذاری، کارآیی دیگر نهاده‌ها را کاهش خواهد داد. از طرف دیگر بافت سرمایه‌گذاری باید از ماهیت جاری بودن تغییر برخوردار باشد و برای رشد پایدار، جنبه‌های سرمایه‌گذاری ثابت تقویت و تشویق گردد.

۹- در زیربخش آب و خاک باید به اموری که جنبه‌های زیربنایی دارد و به حفاظت خاک و افزایش راندمان آب منتهی می‌گردد، بیشتر پرداخته شود.

۱۰- سیاست دولت در جنبه‌های مختلف باید از هماهنگی بیشتری برخوردار باشد و سیاستهای حمایت از بعد تولید و تولیدکننده به وسیله سیاستهای وارداتی خنثی نگردد؛ به عنوان مثال، دولت سوبسید زیادی به تولیدکننده می‌پردازد تا حرفه را برای او سودآور کند و او را تشویق به تولید نماید اما وقتی در زمان برداشت محصول و عرضه فراوان تولید داخلی، توزیع کالای وارداتی آن محصول هم انجام گیرد، سیاست سوبسیدی و قیمت



می‌کند، سهمش از ارزش افزوده به مراتب کمتر از واسطه‌ای است که هیچ‌گونه عملیات بازاریابی اعم از تبدیل و فرآوری را انجام نداده و صرفاً با انجام خدمات ناچیزی از قبیل حمل و نقل یا عملیات اعتباری سود می‌برد.

در نظام توزیع نیاز نیست که دولت نقش واسطه را از نظر خرید و فروش کالا بازی کند بلکه انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری مناسب در انجام خدمات بازاریابی را هدایت و تشویق کند و توسعه دهد؛ مثلاً منظم کردن خدمات اعتباری براساس نیاز و پرداخت بموقع آن در زمان نیاز و بازپرداخت مناسب که فرصت کافی برای فروش را از لحاظ زمانی به تولیدکننده بدهد، می‌تواند به نحو موثری مفید واقع شود.

۱۲- از بعد تجارت، در زمینه صادرات

حمایتی دولت تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرد و قیمت به نحو محسوسی کاهش می‌یابد که فعالیت از سودآوری لازم برای تولیدکننده خواهد افتاد. لازم به ذکر است که کاهش قیمت ایجاد شده، مصرف‌کننده را هم منتفع نخواهد کرد؛ چرا که بیشتر مردم که مصرف‌کننده هستند، نمی‌توانند نیازهای خود را کلی خریداری کنند و در نتیجه، دلال و واسطه‌ها وارث سیاستهای حمایتی و سوبسیدی دولت می‌گردند.

۱۱- سیاست مشخصی از لحاظ نظام توزیع کالا در برنامه اول مشاهده نشد. ایجاد یک نظام بازاریابی مناسب و سوق دادن بخشی به آن می‌تواند از وظایف مهم دولت باشد. کشاورز که شاید بیش از شش ماه تمام مشقات و هزینه‌ها را برای عمل‌آوری محصول تحمل

مناسب است که سیاست جایگزینی صادرات به جای سیاست تشویق صادرات مورد تاکید قرار گیرد؛ زیرا ارزش افزوده بیشتری به دست می آید و رابطه مبادله را می تواند بهبود بخشد. در زمینه واردات، اگرچه کاهش واردات بالنفسه مطلوب به نظر می رسد و جزء اهداف برنامه اول بود، اما توجه به چند نکته ضروری است:

الف - تاثیر کاهش واردات بر مصرف کننده، اگر کاهش تولیدی کم باشد و نتواند واکنش لازم را در کوتاه مدت انجام دهد، باعث تحمیل تورم قیمتی بر مصرف کننده خواهد شد.

ب - تاثیر کاهش واردات بر منابع داخلی. در بعضی منابع محدودیت شدیدی در داخل کشور مشاهده می شود؛ لذا کاهش واردات و افزایش قیمت می تواند تخریب منابع را به دنبال داشته باشد. در این مورد، مثال کاهش واردات گوشت و افزایش تعداد دام و تاثیر بر تخریب مرتع می تواند مورد توجه قرار گیرد. لذا در کنترل و کاهش واردات، کاهش تولیدی باید مدنظر قرار گیرد.

ج - سیاست حمایتی از طریق تعرفه گمرکی بر واردات و توزیع مجدد

درآمد میان مصرف کنندگان می تواند به افزایش تولید منتهی شود و تولیدکننده و مصرف کننده را بهره مند سازد.

۱۳- نوسازی نظام سازمان کشاورزی و سوق دادن آن به واحدهای بزرگ کشت و صنعتها (تلفیق عمودی و افقی) در تئوری می تواند ارزش افزوده بیشتری را برای صاحبان تولید ایجاد کند اما تکرار مسیر و تجربه گذشته نمی تواند موفق آمیز باشد. مسائل تحقیقات اقتصادی به همراه بررسیهای اجتماعی باید مسیر مطلوب و چارچوب مناسبی را طرح ریزی کند که مسلماً این قالب با آنچه که به وسیله کشورهای پیشرفته دنیا اعمال می شود، متفاوت است.

۱۴- یک برنامه موفق باید از خصوصیات زیر برخوردار باشد. در برنامه باید:  
الف) هدفها طوری تعیین شود که دستیابی به آنها امکان پذیر باشد  
ب) امکانات حصول هدفهای بدقت ارزیابی شود  
ج) امکانات اجرایی و نحوه آن به طور مشخص تعیین شده باشد.

در بررسی بالا همان طور که دیدیم کمتر موردی وجود دارد که عملکردها مطابق اهداف باشد. در این مورد، احتمالاً ضعف در واقعیت نگری برنامه اول بوده است.